

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

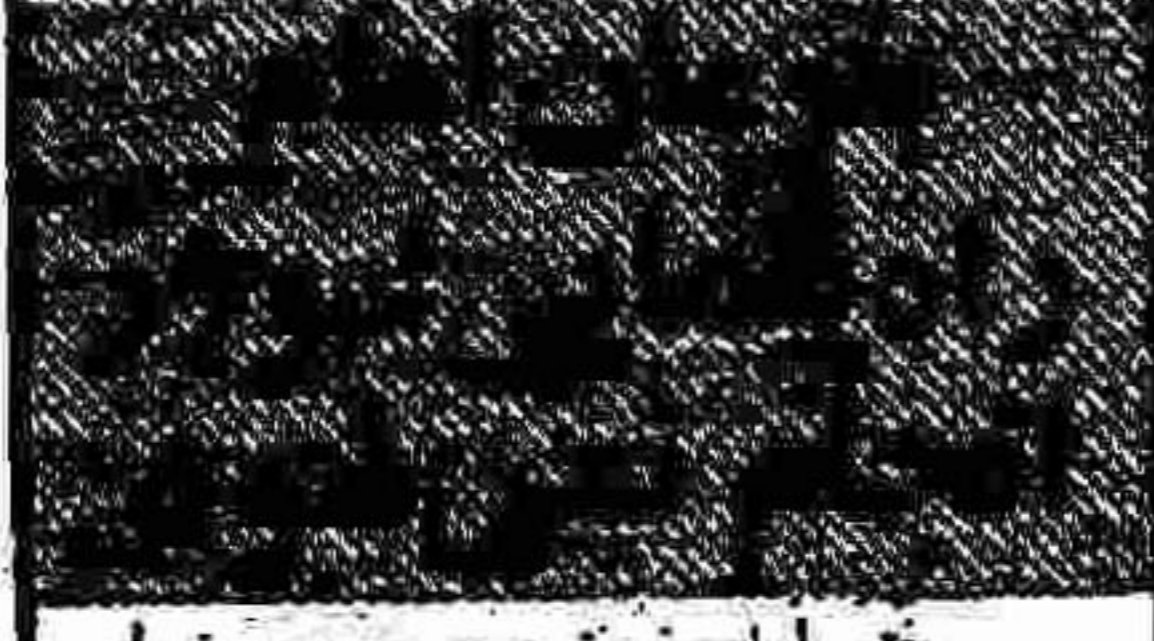
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۸
پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۱۰ صفر ۱۳۶۰، بهای ۱۵ ریال

پاښتیبانی از امام خمینی، توطئه جدید امریکاراد رهم شکنیم

در پارهای موارد حتی بازداشت آنان به منظور برانگیختن خشم دهقانان و مایوس ساختنشان از انقلاب، ایجاد جو تشنج و درگیری و زودخوردی در مدارس بقصد تسلیل آنها، تحریک در کارخانه به منظور تسری اعتصاب و تصمن در میان کارگران و توقف تولید، سرهمبندی کردن تظاهرات در چند شهر، یا هدف توهین به مقام ولایت قیه و لحظه زدن به وجهه روحانیت بیرو خط امام، عمل به کتابفروشی و مراکز نشریات حزب ما در پارهای مناطق، همه و همه پیش درآمد این توطئه امریالیستی است که ضدانقلاب آگاهانه و طبق نقشه و عناصر سازماندهی و فریبخورد، تا آگاهانه، به خواست امریالیسم در به زانو درآوردن انقلاب تسکین کردهاند.

شد ستم و بهره‌کشی را دارد در هفته‌های اخیر، گواهی کانونهای کوناگون این آتش‌افروزی امریالیستی علیه انقلاب بوده‌اند: ایجاد درگیری در برخی از شهرها و اختادن گروههای سیاسی بجان یکدیگر، تحریکات تودالها و زمین-داران بزرگ در روستاها، جلوگیری از فعالیت هیئت‌های خفتگری تقسیم زمین و

امریالیسم امریکای تارهای خستین توطئه را بریز گرد انقلاب ایران تبدیل‌است. این بار آماج مستقیم این توطئه یلیده، مقام پراچ امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و روحانیت بیرو خط امام است که گویا باید با تبلیغات پرمیاهوی مخالفان لطمه بیند و میان مردم و رهبری انقلاب و روحانیت پیرو خط امام جدائی افتد تا زمینه برای وارد آوردن ضربه طمی فراهم آید.



دفعه امام خمینی، صبح دیروز طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که رامیسانی امروز پنجشنبه انجام نشود و توجه مردم به رفع مشکلات ملکی، معطوف گردد در این اطلاعیه از جمله آمده است: «(امام خمینی فرموده‌اند) با توجه به حساسیت زمان و قطع فعلی که ما گرفتار مسئله جنگ با دشمنان اسلام هستیم و باید به مسائل و مشکلات ملکی، پرداختیم... از رامیسانی‌ها که قرار است به این عنوان انجام شود، سرفصل نمایند و به کارهای مهم و رفع مشکلات دیگری که دارند، بپردازند» امام خمینی همچنین از آیت‌الله طاهری، امام جمعه اصفهان، خواست که به اصفهان بازگردد و از کارهای انقلابی را که در اتمام تملیل نموده‌اند فراخواندند که به کارهای عادی خود مشغول گردند.

امریالیسم امریکای، که تلخی شکست پنج توطئه را در کام دارد و ششین توطئه او، یعنی جنگ تجاوزی و تحمیلی رژیم صدام حسین، از منظر سیاسی شکست خورده و از جهت نظامی یا شکستی محتوم مواجه است، اجرای نقشه بعدی، یعنی هتیمین توطئه را بمنظور درهم شکستن انقلاب ضدامریالیستی و خلقی ما، آغاز کرده است. توطئه‌ای که حزب توده ایران ماها پیش با روشن‌نگری، وقوع ناگزیر آنرا پیش‌بینی کرده بود.

رویدادنامه کشور در دوران اخیر نشان میدهد که چگونه امریالیسم امریکای برای تحقق آرزوی دیرینه‌اش در سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، به جفا ساختن توده‌ها از روحانیت پیرو خط امام، به ایجاد جو بگو و مگو و ناسازگاری و لجاج و تشنج و درگیری امید بسته است. امریالیسم امریکای از یکسو بدست‌مخوامل خود میکوشد اختلاف میان ارگانهای حاکمیت را تصیق کند و از سوی دیگر با حمله مستقیم به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و روحانیت پیرو خط امام، قصد ایجاد شکافی میان مردم و رهبری انقلاب و روحانیت ضدامریالیست و

نورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»
**تلاشهای امپریالیسم
جهانخوار برای تغییر
تناسب نیروها به زیان
خلق، محکوم
به شکست است**
صفحه ۶

بر اثر آتش سپاهیان انقلاب
چندین تانک و دههاتن از تجاوزگران صدامی
در جبهه‌های جنوب و غرب منهدم شدند

داشت. براساس این گزارش، بر اثر آتش توپخانه نیروهای انقلاب، چندتن از دیده‌مبانهای دشمن به هلاکت رسیدند. در جبهه‌های دیگر خونین‌تر نیز نبرد شدیدی با سلاحهای سنگین تا ساعت ۱۷ روز شنبه ادامه داشته‌است. این گزارش‌ها حکایت که یکتفر از مدافعان انقلاب شهید شد.

خبرگزاری پارس در گزارش عملیات چریکی توسط گروهی از رزمندگان ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج‌نصابی در پشت خطوط دشمن، یکتفر از مزدوران کشته و تعدادی مجروح شدند.

خبرگزاری پارس از جبهه سومار گزارش داد:

نبرد همچنان ادامه داشته و در یک نبرد رویاری ۸ نفر از مزدوران دشمن کشته شدند. در جبهه نهاب و قمرشیرین نیز یک گروه متشکل از نیروهای هوایر، پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر رزمندگان اسلام ۴ تن از مزدوران را بدم انداختند و ۷ نفر از آنان را به هلاکت رساندند و بقیه متواری شدند.

به گزارش خبرگزاری پارس از آبادان:

مبادله آتش میان نیروهای انقلاب و مزدوران دشمن، در منطقه غرب خونین‌تر از عصر دوشنبه تا روز شنبه به شدت ادامه

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، ضربات تازه‌ای بر بیکر آنان وارد ساختند.

خبرگزاری پارس و دفتر مرکزی خیر، به نقل از روابط عمومی استانداری ایلام، گزارش دادند: در یک عملیات چریکی، که بوسیله گردان مخصوص کلاص سزها و مدافعان محلی انقلاب اسلامی مستقر در ارتفاعات سیک در منطقه ایلام، در تاریخ ۲۳ و ۲۴ آذرماه، با پشتیبانی آتش توپخانه انجام شد، در حدود یکصد نفر از مزدوران کشته و زخمی شدند و ۴ دستگاه خودرو، یک تانکر آب، ۳ دستگاه چادر گروهی مزدوران عراقی منهدم و به ۱۶ سکر دشمنان انقلاب تا حدود ۸۰ درصد خسارت وارد آمد.

خبرگزاری پارس در گزارش دیگری، به نقل از یک مقام مسئول سپاه پاسداران ایلام، مرازیت:

در درگیری روز دوشنبه در ارتفاعات ملکناهی، پاسداران پاسدار با آتش خمپاره‌انداز خود سنگرهای دشمن را بشدت درهم کوبیدند و تلفات و خسارات سنگینی به مزدوران وارد آوردند. سرپرست گروه شنابری مستقر در گیلانقریه عصر روز شنبه به‌خبرگزاری پارس گفت: در این جبهه، ساعت مداوم درگیری با سلاح سنگین و سیک و خمپاره‌انداز جریان دارد. در همین

در مصاحبه با نشریه پیام انقلاب اعلام شد:

**پیشنهاد سفیر لیبی برای تشکیل جبهه‌ای
از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی
و سازمان آزادیبخش فلسطین**

آن هنگام این طرح را چنین عنوان کردم که الجزایر، سوریه، لیبی، سازمان آزادیبخش فلسطین و ایران برای آزادی فلسطین جبهه‌ای تشکیل بدهند. بعضی از عناصر مخالفه پیشنهاد طرح ما را برهم زدند. و من حتی به اسم آنها را می‌شناسم. الان هم دنیا و برادران ما در ایران متوجه شدند که ما در گفتارمان صادق بودیم. و اگر این پنج کشور در ۱۱ ماه قبل همینان شده بودند، صدام نمی‌توانست اقدام به این تجاوز بکند. و ما از پیش در نظر

بهداشتی که اگر صدام در زاپله نظری کرد، او را طبق این طرح متکوب کنیم. و یا اگر از شیشه و سنی صحبتی به میان آورد، او را مجاب نمائیم، چرا که ما تشک به اسلام بودیم، که در اسلام هم تفاوتی بین شیعه‌وستی نیست. شما هم از سرزمین اسلامی ایران خارج نشدید و در زمینه گسترش انقلاب یا جهان ارتباط پیدا نکردید.

(پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران، ۱۲ آذر ۵۹، صفحه ۵۰)

سعد مجیر، سفیر لیبی در تهران، در مصاحبه‌ای با مجله پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران اعلام کرد که:

۱۱ ماه پیش طرحی را برای تشکیل جبهه‌ای مرکب از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین، برای آزادی فلسطین ارائه دادم، که امام خمینی و آیت‌الله منتظری با آن موافقت کرده‌اند، اما عناصر مخالف آنرا برهم زدند.

سعد مجیر، که در این مصاحبه بار دیگر تشکیل این جبهه را پیشنهاد می‌کند، گفت:

خلاق ایران است. در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام میدارند:

۱- میان کمیته مرکزی و دیگر مسئولان حزب توده ایران با سازمان مجاهدین خلق ایران، هیچگونه تماس و مذاکره‌ای صورت نکرده و خبر ندرند در روزنامه «صبح آزادگانه» در این باره کذب محض است.

۲- حزب توده ایران، بگوامی موضعگیری‌های شدیدی، که از

روزنامه صبح آزادگان در شماره ۲۶۹، چهارشنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۵۹، خود، در مطلبی زیر عنوان «افتخار توده جدید مجاهدین» ادعا کرده است که:

«طبق خبر خبرنگار آزادگان، مراسلاتی هم بین مجاهدین خلق و حزب توده (ایران) صورت گرفته و خوانان همکاری حزب توده (ایران) در این نقشه‌شوم شده‌اند. اما حزب کافر توده گفته است که همکاری از اول طرح با شما غیر ممکن است،

زیرا امکان می‌رود قسمت اول طرح با شکست روبرو شود. لذا این سازمان بعد از موفقیت‌تسکست اول، همکاری را با شما آغاز نمی‌نماید و برای اجرای بقیمه طرح مذکور، حزب توده (ایران) تمام امکانات را برای شما آماده میکند.»

روشن کردن ساختگی بودن و یا واقعی بودن مطلبی که روزنامه صبح آزادگان درباره سازمان مجاهدین خلق ایران، نگاشته، با خود سازمان مجاهدین

روزنامه صبح آزادگان در شماره ۲۶۹، چهارشنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۵۹، خود، در مطلبی زیر عنوان «افتخار توده جدید مجاهدین» ادعا کرده است که:

«طبق خبر خبرنگار آزادگان، مراسلاتی هم بین مجاهدین خلق و حزب توده (ایران) صورت گرفته و خوانان همکاری حزب توده (ایران) در این نقشه‌شوم شده‌اند. اما حزب کافر توده گفته است که همکاری از اول طرح با شما غیر ممکن است،

در صفحات بعد
دست‌روشان را دریابید
سود انقلاب در اینست
• ادامه فعالیت هیئت‌های هفت‌نفری
• ادامه اجرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی

پرونده سازی علیه حزب توده ایران به سود ضد انقلاب است

لیبرال‌ها خواستار چه جامعه‌ای هستند؟
صفحه ۲

دست‌روشان را دریابید
صفحه ۴

سود انقلاب در اینست
• ادامه فعالیت هیئت‌های هفت‌نفری
• ادامه اجرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی
صفحه ۵

بازی مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحدان ما!

لایحه بنیاد مسکن در جلسه مجلس مطرح شد

نماینده ممسنی خواستار رسیدگی سریع مسئولین مملکتی به وضع حساس این منطقه شد

لیبرال کیست؟

لیبرالها خواستار «آزادی» برای غارتگران هستند. آنها از بازگذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ وابسته، که چون زانو خون مردم را می‌کند و با استفاده از آزادی نامحدودی که در شرایط فعلی برای آنها وجود دارد، سودهای چند صد درصدی به جیب خود سرازیر می‌کنند، مدافعه می‌کنند. آنها محدود کردن غارتگریهای آنان را عملی ضد آزادی می‌دانند. لذا آنها از جمله با دولتی کردن بزرگانی خارجی مخالفتند.

در جلسه مورخ ۲۵ آذرماه ۵۹ مجلس شورای اسلامی، در بحث پیرامون اجرای اصل قانون اساسی مبنی بر دولتی کردن بزرگانی خارجی، یکی دیگر از لیبرالها، نشان داد که «آزادی» از نظر آنها چه مفهومی دارد.

اصل ۴۴ قانون اساسی: «بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن... و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است»

مخبر کمیسیون بازرگانی: سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند آن سیاست قبل (دوره شاه) باشد و این کاتال باید بسته شود. بخصوص آنکه بعد از انقلاب سوء استفاده‌های زیادی شده. هم ارز زیادی خارج شده، هم در وارد کردن کالاها ضروری مردم اختلال شده و هم خدمات سرمایه خود را از جریان تولید بیرون کشیدند و در راه تجارت انداختند. لذا باید با کمک وزارت بازرگانی طرحی تهیه شود که فیصاح و غریبهای گذشته، با دولتی شدن بزرگانی خارجی جلوش گرفته شود.

هاتم میثاقیان: «طبق اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد دولتی بودن بزرگانی خارجی، کسی نمی‌تواند با دولتی کردن بزرگانی خارجی مخالفت داشته باشد، ولی (۱) دولتی شدن تجارت خارجی... به اجرا هم گذاشته شده است... وزارت بازرگانی هم مشغول اجرای آنست و آنرا انجام میدهد... آیا این بی‌نیستانه؟

مهمی مخبر کمیسیون بازرگانی: «ما آن قانون را (که میثاقیان به آن اشاره میکرد) دیدیم. ولی اگر آن قانون پخته شده، دولتی کردن بزرگانی خارجی، به نفعهای ما میرسد و به آن صورت ببرد ما و انقلاب ما نمی‌خورد»

ماده واحد پیشنهادی کمیسیون بازرگانی، با اکثریت آراء نمایندگان مجلس به تصویب رسید و وزارت بازرگانی موظف شد که ظرف ۳ ماه، قانون مربوط به دولتی شدن بزرگانی خارجی را تهیه و به مجلس ارائه کند.

لیبرالها، باز هم تیرستان به سنگ خورد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پرویز تشکیل شد، چندین از نمایندگان در ارتباط با مسائل روز سخن گفتند و لایحه مربوط به نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

صمد شجاعیان، نماینده ممسنی، اولین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز بود، که در ارتباط با حوادث اخیر ممسنی سخن گفت. وی ضمن تسریع این درگیری، که در آن نفر کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شدند، تأکید کرد که این درگیری باعث بر توجیح و کاهلی مسئولین امر بوجود آمده و مقامات مملکتی باید هرچه زودتر به این قضیه رسیدگی کنند.

نماینده ممسنی سپس به جزئیات این درگیری، که بنابه گفته وی از ابتدا بعلت بر توجیح مسئولین آموزش و پرورش به خواستهای مصلحان منطقه شروع شد، پرداخت و آنگاه گفت:

در فروردین ۵۸ وقتی خسرو قنقاری به منطقه آمد، مردم نورآباد علی او تقاضای راه آسفالته و مانع پیمان شدن وی از ماشین‌های شدت مردمی که زیر ستان بودند نمی‌توانند خان را دوست داشته باشند، ولی باید به خواستهای آنها توجه کرد.

هاشمی سنجانی، دومین ناطق پیش از دستور، به تسریع انواع آزادی و سوءاستفاده «کهرمان» از آنها پرداخت. پس از پایان نطق‌های پیش از دستور، علی‌اکبر پرویز، نایب‌رئیس مجلس، ضمن سخنان کوتاهی به مناسبت سالگرد شهادت دکتر مطیع، از وی تجلیل کرد. پرویز همچنین از دو پاسدار همراه دکتر مطیع نیز، که به شهادت رسیدند، تجلیل کرد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش کمیسیون مسکن و شهرسازی در مورد نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

مخبر کمیسیون مسکن در توضیح این طرح گفت: «به فرمان امام بنیاد مسکن با حساب ۱۰۰۰ شروع کار کرد و در بیشتر شهرها کارش را به تعویق ملاحظه‌ای انجام داد. دلیل عمده پشیمانی کار بنیاد مسکن این بود که این بنیاد عمدتاً به نیروهای مردمی و کمک مستقیم آنها متکی بود. ولی بعلت پاره‌پارهی ناهماهنگی‌ها در کارها و بعد از تشکیل دولت، ضرورت ایجاد هماهنگی در کار مسکن، احساس شد. بنابراین این ضرورت، وزیر مسکن در مورد ایجاد هماهنگی با امام صحبت کرد که ایشان موافقت کردند.»

وی افزود: «معاملات مسکن هم کار خود را بر اساس مصوبه شورای انقلاب آغاز کرد. بر اساس این مصوبه

در گذشت یک رفیق توده‌ای



با گذر فراوان اختراع و کشف که رفیق احمد نظام شویلی، در آبان‌ماه ۵۹ به سکنه سمرقند مهاجر شد و در روز ۲۳ آذر ماه ۵۹ در گذشت.

رفیق نظام شویلی در سال ۱۳۱۷ در شهر مشهد چشم به جهان گشود. وی بعد از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه به ایران، برای ادامه تحصیل به شهر گراس (اتریش) رفت. اقامت رفیق نظام شویلی در اتریش مصادف بود با اوج جنبش دانشجویان ایرانی بر ضد رژیم دیکتاتوری دستنشانده شاه در خارج از کشور. رفیق نظام شویلی در صفوف حزب توده ایران به مبارزه بر ضد امپریالیسم، پسرکردگی آمریکا، و رژیم شاه ملوم پرداخت.

رفیق نظام شویلی پس از پایان تحصیل در رشته حقوق سیاسی، تمام وقت خویش را در اختیار حزب قرار داد و پس از مدتی، به دستور حزب، به ایران بازگشت.

رفیق نظام شویلی تا آخرین لحظه حیات به آرمان حزب خود وفادار بود و در راه آن از هیچ فداکاری دریغ نکرد.

خانم رفیق احمد نظام شویلی را گرامی می‌داریم و این صمیمیت جانگداز را به همسر و دختر خرمسال رفیق قنبد میمانه تسلیت می‌گوییم.

مجلس یادبود رفیق احمد نظام شویلی، روز شنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۵۹، ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر، در مسجد «الجواد» برگزار خواهد شد.

در حاشیه مجلس

کدام ارز؟
شعونی، نماینده کرج، هنگام طرح مسئله مسکن و خروج ارز توسط ملت‌نویسان، گفت: «کدام ارز؟ هر چه ارز بود در دوران دولت موقت خارج شده».

بمناسبت چهلمین روز شهادت سیمین

اینک چهل روز از شهادت سیمین این دختر جوان توده‌ای میگذرد که در جبهه آبادان به خیل شهبای پیشمار انقلاب ایران پیوست و جاودانه گشته. چهلمینماست این شمار خود ساخته مردم که بنیان هر شیبی، فریاد شهیدان زنده‌مانده را تکرار میکنند. شهید راه انقلاب، در وجود هر زنی که راه او را ادامه میدهند، در تحول فکری که در اطرافیان خود بوجود می‌آورد، در تحریک و توانی که به سایر مبارزان میدهد و در پیروزی را هموار میسازد، ابدیت می‌یابد. شهید با ایثار و جانپنازی در راه مردم و آرمانهای والای خود را، به دیگران می‌آموزد. شهید در خاطره مردم و در تاریخ خلقها زنده و جاویدماندست، شهبید.

دردیاز مادر سیمین سلامی زاده، این شیرزن خوزستانی، رفته، داستانها نقل می‌کنند بطوریکه همه مشتاق زیارتش هستند. اینک او را در ماهش میثاق یافت. برای تجدید خاطره سیمین، در چهلمین روز شهادت، خوانندگان نامه «مردم» و تماشاگران راه سیمین را همراه این سلور به دیدار و گفتگوئی ولو کوتاه با مادر سیمین میریم.

جمعه ۱۴ آذر در منزل یکی از رفقای ماهش به دیدن مادر و خواهر کوچکتر سیمین میشتابیم. چادر سیاه و مخمندی که بسته بود، سیاهی آرایش را ایهت خاصی می‌بخشید. آرام و شکنج در کنارش می‌نشینی. رفقای جوان، از دختر و پسر دورش جلته زده بودند و همگی او را مانند خطاب می‌کردند. پیش از آنکه سخنی بر زبان جاری شود، قلبهای آنکه از خشم نسبت به دشمنان انقلاب ایران، و دیدگان سرشار از امید به آینده، بیانش همدردی و همتی همه وقتا و دوستان و کمیته مرکزی حزب سیمین به‌خوداره سلامی زاده میشود. بعضی‌ها با گوشه‌های باغچه‌ها بر احسان

خود ملتر را به آرایش و بردباری دعوت کنند. ولی او خود لب به سخن گشود: «من دیگر نمی‌توانم و نه سیمین را نمی‌خورم. تازه بعد از مرگ سیمین حزب را شناختم. با دوستان او آشنا شدم و فهمیدم که چرا سیمین در حیات خود اینبه از حزب بوده. ایران ستایش میکرد و شبانه‌روز در راه او آرام و قرار نداشت. میگفت: «به آبادان که برگشتم خودم کارهای او را ادامه میدهم. خودم روزنامه‌های سیمین را زیر حمایت میگیرم و در دسترس میروشم. به بیمه چه کسی جلوم را میگیرد».

حقیق که سواد ندارم! سیمین همیشه روزنامه مردم را نشان میداد و میگفت: مادر تو نیندانی چه چیزهای خوبی در این روزنامه می‌نویسند. چه خوب مردم را هدایت میکنند. بارها مقالات مردم را برایم می‌خواند و توضیح میداد. سیمین از رفقای برای صحبت میکرد. حالا می‌فهمم چه می‌گفت و چه دوستان سیران و انسانی دارد. بیشتر از قابل خودمان بنا محبت میکنند. خدا هم‌شانرا حفظ کنه».

یکبار به نفس گرفت و کمی گریست. کوه‌اندوه بردلها سنگینی پیکرد ولی مگر میشد او را تسلی داد. یکی گفت: «مادر گریه نکن. شهادت سیمین هم و اندوه ندارد. همه این جوانان، دختران و پسران، سیمین‌های تو هستند. تو اینک در میان خانواده بزرگ توده‌ای سیمین هستی».

مادر استکبابش را پاک کرد و ادامه داد: «برای مرگ سیمین نیست که گریه میکنم. تاسف تنها از اینست که چرا سیمین وقتی زنده بود نتوانست آنطورها که دلت می‌خواست، آزادانه فعالیت کند. روزنامه‌های مردم و کتابهایش را در گنجینه‌اش مخفی میکرد. تنها

عملیات موفقیت‌آمیز انقلابیون

السؤال اور علی‌اکبر رژیم دست‌نشانده این کشور

نیروهای سیمین‌دوست و ترقیخواه سالوادور در نزدیکی پایتخت این کشور دو رشته عملیات نظامی موفقیت‌آمیز انجام دادند. مقامهای رژیم وابسته السالوادور اعتراف کردند که در جریان این عملیات پدیده‌های زیادی از سربازان مزدور کشته و مجروح شدند. از سوی دیگر تروریستهای جرمهای راستکار که از حمایت دارووسته نظامی حاکم برخوردارند در ۸ ساعت گذشته به ترورهای چنانیکارانه خود ادامه دادند. در نتیجه این عملیات قتیستی جمعا ۵۰ نفر از مبارزان کشور کشته شدند.

بقراریاد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

«القاء ایدئولوژی»

«امروز اگر حزب توده در خط امام سیر می‌کند و زیر علی آخوندها به اربابش کلاه می‌بندد خدمت میکند... عجیب نیست آخوندیسم و توده‌ایسم از یک آبشخور آب میخورند و سیر یک از آنها... به شمار می‌آیند که همان اتحاد سرخ و سیاه و همان یگانگی منافع دو استعمار کین در ایران است... (هفته از اتحاد نامقمن سرخ و سیاه توده‌های شوم و بیفرجامش در دوران دکتر مصدق باخترند» (رادبو اوسی، ۱۶ آذر ۵۹)

«پس از شهریور بیست تاگهان و خیلی حباب شده با کمک شوروی حزب توده موجودیت خود را اعلام کرد... میوه نفاق و کارکنی‌های حزب، کودتای ۲۸ مرداد ۳۳ بود... رویه از گذشته به اندازه کافی پند گرفته و استیفات گذشته را تکرار نمی‌نماید. روسیه اکنون تقسیم و تقابله نموده و با ایجاد چندین گروه هروظیفه‌ای را بدست یکی سپرده است. حزب توده موظف است با کمال وقاحت خود را بیرو خط امام بخواند و با تمب و افتراهای گوناگون، گروهی از مسلمانان را از میدان بدر کند... در این میان مسلمانان هم بی‌توجه به نقش‌های منافقین متعدد روسی هر آنچه را که آنان میگویند اینان طوطی‌وار شکر می‌کنند» (سین، ۸ آذر ۵۹)

با پشتیبانی از...

ایران و کوشش برای مقابله با آن» این واقعیتی است که اهانت به مقام برجسته رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و هجوم به روحانیت بیرو خط امام، برخلاف اعطای نه برای از دست رفتن «آزادی» و نه برای آنست که گویا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باطل شده است. بلکه جزئیات بیخاطر آنست که امام خمینی و روحانیت بیرو خط امام، وفادار به اهداف عالی انقلاب، ایام ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را گسترش داده و آنرا تمیق نموده‌اند.

امام خمینی، رهبر با درایت انقلاب، و آن بخش از روحانیت مترقی که به پیروی از امام، به دفاع از انقلاب ایستاده است،

هر روز شریات چنانچه تری پس مواضع امپریالیسم و سرمایه‌داری وارد می‌آورند سیاست خارجی ایران آشکارا بسوی بیوستگی یا کشورهای ضد امپریالیستی جهان و گستر از کشورهای ارتجاعی گرایش یافته است. در داخل، با ملر لیبرالها از مواضع کلیدی و گرایشهای شت در نظور و تحول سیاستهای بازارگنسی، ارضی، آموزشی، کارگری و قهریه، افق‌های نویی گشوده شده است، که به بیرون بسیاری امپریالیسم، غارتگر و طیفات استثمارگر داخلی، دلپذیر نیست. مخالفت با امام خمینی و روحانیت بیرو خط امام از چنین فقه چرکین و غنی تراش می‌کند. بقول امام خمینی:

«اینها با روحانی خوب مخالفتند با بدها مخالف نیستند»

اگر امام خمینی و روحانیت بیرو خط

امام در موضع مبارزه با امپریالیسم نایستاده بودند، آنوقت نه امپریالیسم آمریکا کمر به نابودی او می‌بست و نه مسوگواران آزادی، چنین هیاهوس می‌دادند و کارشکنی آغاز می‌کردند. این قاطعیت انقلابی امام خمینی و روحانیت بیرو اوست، که چنین خشم و کینه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده‌اش را برانگیخته است.

در این هفتمین توطئه نیز، مانند شش توطئه پیشین، امپریالیسم آمریکا دچار خطا و پندار است، و این خطا و پندار از به حساب نیاوردن عامل مردم ناشی میشود. مردمی که با یکدست اسلحه بر گرفته و علیه تجاوزان سدامی می‌جنگند، با دست دیگر به توتیت مواضع اقتصادی انقلاب شغولند و با تمام هستی خود از امام خمینی، رهبر آشتی‌ناپذیر، روحانی پارسا و مدافع توده‌های محروم، دفاع میکنند. در محاسبه

امپریالیسم آمریکا - طبق معمول - فراموش شده‌اند.

این بار هم امپریالیسم آمریکا با سلاح زنگارسته بچنگ انقلاب ما آمده است. ولی بی‌تردید شکست خواهد خورد. مردم برآمده از کوره انقلاب ۲۲ بهمن، با همان شور و گرما و هیجان و آگاه‌های دفاع از انقلاب در محنه ایستاده‌اند و دست امپریالیسم آمریکا این چادرگر فداکار را از میان درد و آتشی که در سراسر کشور برافروخته است، تشخیص میدهند. اینان نخواهند گذاشت که امام خمینی تنها بماند، نخواهند گذاشت که میان امام خمینی

و انقلاب و مردم گسستگی پدید آید. حزب توده ایران که مدافع یکپار و بی‌تراز انقلاب و پشتیبان صمیمی رهبر انقلاب، امام خمینی است، همچنان پیدار و هشدار مراقب توطئه‌های دشمن اصلی ما، امپریالیسم آمریکاست و همه اعضای و هواداران حزب و همه نیروهای انقلابی را به هشدار بیشتر و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و پشتیبانی از امام خمینی فراخواند. **هوشیاران!** با پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، توطئه جدید امپریالیسم را درهم شکنیم.

لیبرال‌ها خواستار چه جامعه‌ای هستند؟

چندی پیش جنرال پرسروصدایی از محافل لیبرال سرخاست و فضا را پر کرد. سانسندگان راسته به این "خط" در سخنرانی‌ها، نامه‌های سرکشاده و مقالات، با آزادی کامل یکمدا فریاد برداشتند که: ایها الناس! آزادی نیست، "هولای اختیای" که "شاج دم" هم ندارد، همه جا را به زیر سایه، بخوف خود گرفته است، می‌خواهند "دیکتاتوری مستضعفین" برقرار کنند و ما را که "فقط" خواستار تنفس در هوای "آزادی عزیز" هستیم، خفه کنند. "ای آزادی، ای موهبت بزرگ می‌خواهند تو را بار دیگر از ایران بگیرند"، می‌خواهند همان جو زمان شاه مخلوع را دوباره بر منهن ما جاکم کنند، "می‌خواهند دیکتاتوری پرولتاریا" برقرار کنند! "دارند حلیم مارکس را برهم می‌زنند! ..."

لیبرال‌ها، که با آزادی کامل هرچه می‌خواهند، در همه جا می‌گویند و می‌نویسند، چرا احساس "خفتان" می‌کنند؟ چگونه آزادی می‌خواهند؟ "آزادی" برای چه می‌خواهند؟ لیبرال‌ها پاسخ خواهند داد: "آزادی برای ساختن جامعه‌ای که مورد نظر ماست".

گدام جامعه؟

لیبرال‌ها در این مورد کمتر دم به تله می‌دهند. آن‌ها از جامعه مورد نظر خود بسیار کم سخن می‌گویند. آن‌ها فقط فریاد برمی‌دارند که: "آزادی نیست و خفتان هست، و چه کلمات زیبا که در رثای آزادی قلم نمی‌زنند و چه نفرین‌های خشم‌آلود که نثار نمی‌کنند."

این ظاهر را خراش بدهیم و ببینیم که در زیر این ظاهر خوش آب و رنگ و دل‌فریب، چه واقعیتی نهان شده است و لیبرال‌ها "آزادی" را برای ساختن چه جامعه‌ای طلب می‌کنند و از چه "خفتانی" است که می‌نالند.

ما برای نشان دادن تصویر واقعی این جامعه مورد نظر لیبرال‌ها، تلاش کرده‌ایم که از زبان سخنگویان و ارگان‌های اصلی بورژوازی لیبرال ایران، این "جامعه آزاد" را از میان کوهی از جمله‌پردازی‌ها و سخنان زیبا در دو سال گذشته، بیرون آوریم و آن را در حرفی افکار عمومی مردم انقلابی ایران قرار دهیم. ما در این جا نیازی به ذکر ایامی افراد و جرایم نداریم، زیرا که اولاً ما را با نظریات و خط مشی‌ها سروکار است و نه افراد، و ثانیاً انتخاب جرایمی که از آن‌ها نقل قول کرده‌ایم، چهره‌های آشنایی هستند، باشد که جامعه مورد نظر لیبرال‌ها چشم کسانی را که ناخواسته در تاروپود دام خوش منظر "آزادی" لیبرال‌ها اسیر شده‌اند، بکشد و آنان را که ناخواسته به پیش‌برد امیال لیبرال‌ها یاری می‌رسانند، هشدار سازد.

لیبرال‌ها مدافع دولت شاهنشاهی پهلوی شاه

دولت مورد نظر لیبرال‌ها، دولت انقلابی نیست. "نظام مشروطه است، منهای سلطنت" (از سخنرانی یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ اسفند ۱۳۵۷)

و این دولت "حق ندارد از قوانینی که تصویب نشده، استفاده کند".

(همانجا)

لذا دولت لیبرال‌ها

"در همان نظام سابق (نظام شاهنشاهی)" و "قوانین موجود" (قوانین محمدرضاشاهی) عمل

لیبرال‌ها مدافع نظام اقتصادی وابسته به امپریالیسم

یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران می‌گوید: تمام قراردادهای (که رژیم محمد رضا با امپریالیست‌ها بست)، "بمنفع طرف" و "بمضر ماست". اما:

"چنین جاه‌های ویلی که دستگاه‌های گذشته کنده‌اند، مملکت به نجات باید درون آن بیفتد و خفه شود". (از سخنرانی اوایل خرداد ۵۸)

یکی دیگر از سخنگویان بورژوازی لیبرال در مورد سرمایه‌داران غارتگری که پایه‌های رژیم محمد رضا منظور در داخل بر روی آن‌ها قرار داشت، می‌گوید:

"تمام مصادر صنعت و تجارت مملکت احساس خطر می‌کنند، نمی‌دانند کجا باید پناه ببرند، نمی‌دانند کجا بروند و تنظلم کنند... صاحبان نفت و تجارت را دعوت به کار کنید. این بزرگ‌ترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود."

(از سخنرانی نخستین مدیر عامل شرکت نفت در دولت موقت، در کنگره حقوقدانان، اوایل خرداد ۵۸)

لیبرال‌ها مدافع فتوای مالکان و بزرگ مالکان

"دستور فرمایشی و وسیله ادارات تابعه در اقصی نقاط حوزه آن مدیریت، به کلیه زارعین که عدوانا (!) اراضی و موسسات دیگران را تصرف کرده‌اند، اعلام گردد تا تاریخ ۱۸ خرداد سال جاری نسبت به استرداد اراضی مورد تجاوز (!) به صاحبان اصلی (!) اقدام نمایند. در غیر این صورت در پایان مهلت مقرر علاوه بر خلع ید از کلیه کسب‌های دولت محروم خواهند شد، یعنی هیچ‌کدام از محصولات آن‌ها خریداری نمی‌شود و به‌آنها وام داده نمی‌شود و حتی در مورد دهقانانی که از طریق اصلاحات ارضی زمینی به‌آنها داده شده‌است، پس گرفته می‌شود."

(بخشنامه وزیر کشاورزی دولت موقت، بهار ۵۸)

"اصلاً ما قیلاً هم فتوای نداشتیم، چرا که پس از اصلاحات ارضی (مقصود "اصلاحات ارضی شاهانه" است)، هیچ‌کس مالک بیشتر از یک ده نبود! ... بعد از اجرا شدن مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی، ملاحظه می‌شود که دیگر کسی در این مملکت حتی یک ده شش‌دانگ هم ندارد و هم‌اکنون قسمت شده‌است و بزرگ مالکی مطلقاً نیست". (از سخن وزیر کشاورزی دولت موقت)

و هنگامی که قدرت از کف لیبرال‌ها به‌در می‌رود و از فتوای مالکان، که گویا وجود نداشته‌اند، سلب مالکیت می‌شود و توده‌های میلیونی دهقانان، از هیئت‌های ۷ نفری زمین دریافت می‌کنند، لیبرال‌ها می‌نویسند:

"کلیه احکام و قوانین، حوزه مربوط به زمین و مسکن و کارخانه‌ها و تبدیل ثروت یا صادرات و مجازات‌ها و امتثال آن ... باید متوقف ماند."

لیبرال‌ها مدافع سرمایه‌داری وابسته

لیبرال‌ها فریاد اعتراض برداشته‌اند که: "اسلام دین تسلیم‌است، نه عصیان"

و "کار را به‌جایی رسانده‌اند که ابودر به‌نام



فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا

به‌مناسبت تشکیل

دومین کنگره

حزب کمونیست کوبا

کوبا و انقلاب ایران

"در ایران یک انقلاب مردمی به وقوع پیوسته است. این غیرقابل انکار است. این انقلاب دارای قدرت خارق‌العاده‌است. وظیفه ما پشتیبانی و ابراز همبستگی با ایران است" از سخنرانی رفیق فیدل کاسترو در تظاهرات ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ (اول ماه مه ۱۹۸۰) در هوانا

"کنگره کوبا وظیفه مقدم خود می‌داند که مراتب تأیید و حمایت خویش را از انقلاب ایران ابراز بدارد، زیرا ما علیرغم فاصله‌ای که بین مرزهایمان هست و تفاوت‌های موجود میان سنن و زبان‌مان، در مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی مردمان، که همواره از سوی دولت‌های ظالم و دست نشانده سرکوب شده‌است، متحد هستیم"

از اظهارات نماینده کوبا در "کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران" تهران، خردادماه ۱۳۵۹

استوره مبارزه با سرمایه‌دار معرفی می‌شود. لیبرال‌ها، از اصل "تقدس مالکیت" که به‌سود غارتگران بزرگ سرمایه‌دار و مالک است، مرافقه می‌کنند:

"کار به‌جایی رسیده‌است که... در بعضی از نهادها گویی اصل مالکیت به‌کلی لغو شده‌است و مصادره کردن، کار ساده و پیشی افتاده‌ای شده‌است"

لیبرال‌ها که ظاهراً دم از قانون اساسی و اجرای آن می‌زنند، با اصل مهم ملی شدن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع داخلی، به‌شدت مخالفت می‌کنند. امیلی که اجرای آن ریشه سرمایه‌داری وابسته و قشر طفیلی‌وغارتگری را که هنوز در بازار وجود دارد، خواهد کند: "دولت اگر بخواهد خریدار و فروشنده خوبی باشد که نقش‌غریبی کرده و باری بر دوش خودش اضافه ننموده‌است."

لیبرال‌ها، امپریالیسم آمریکا را دشمن نمی‌دانند

لیبرال‌ها، آمریکا را دشمن نمی‌دانند و توطئه‌های جنایتکارانه آمریکا را به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و غرق کردن دستاوردهای انقلاب ایران در خون مردم ایران، "فرضی" ساخته نیروهای چپ اعلام می‌کنند:

"توطئه‌های فرضی امپریالیسم آمریکا را، که برای آن‌ها اصالت دارد و دشمن‌شماره یک‌مکنشی‌شان می‌باشد، پیش می‌کشیدند"

(از نامه سرکشاده یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران، اواسط مرداد ۵۹)

لیبرال‌ها، به مردم ایران می‌گویند که تمام دشواری‌هایی که آن‌ها تحمل می‌شوند، تقصیر خود آنهاست و اگر با آمریکا چنین رفتار نمی‌کردند و "مقول" تر بودند، به‌چنین وضعی دچار نمی‌شدند! آنها با آزادی کامل و جبارتی بی‌سابقه مردم انقلابی ایران را، که به‌مخاطر کسب استقلال و آزادی

بها خاسته‌اند و درست به‌همین دلیل مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن قرار گرفته‌اند، مورد سرزنش قرار می‌دهند که:

"وقتی با جسارت و تکبر بی‌سابقه پنجه در پنجه ابرقدرتی چون آمریکا اندازیم (آمریکایی که "بمب اتم و قدرت بی‌پایان... در جنته دارد") چرا نباید لاقال قسمت عدده سایل و مطاب را ناشی از این حلات و اقدامات دانست؟ (همانجا)

آنها مردم انقلابی ایران را به‌مسخره می‌گیرند و آن‌ها را به مناسبت برداشتن "لقمه‌های بزرگ از دهان"، استهزا می‌کنند:

"چلقمه‌های بزرگی که برداشته شد و در مسیر تحول عجیب انقلاب، چه هدف‌های عظیم چون پیروزی دادن مستضعفین جهان بر مستکبرین و منهدم ساختن دولت قاهر غول بیکر آمریکا را اتخاذ و اعلام نمودیم... یا روی دم پلنگ گذاشتیم"

لیبرال‌ها مردم را "تصیحت" می‌کنند که: "مجری برنامه‌های آنها و چیزهایی که جلوی پایمان می‌گذارند، مثلا می‌خواهند مار امپریالیسم را به‌دست... اسلام و ایران... بکشند، نشویم" (همانجا)

لیبرال‌ها، با بی‌روسی‌ها، دور از چشم مردم ایران، محرمانه ملاقات می‌کنند و همواره "آماده همکاری" با امپریالیسم آمریکا هستند:

"مقابله اطمینان می‌دهیم که جمهوری اسلامی ایران نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور، آماده همکاری با آمریکا هست"

لیبرال‌ها دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را محکوم می‌کنند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مورد خشم و غضب و توهین و افترای لیبرال‌ها قرار گرفتند. لیبرال‌ها در اینجا نیز ضدیت آشکار خود را با خط امام نشان دادند و در حالی که اصام خمینی

بقیه در صفحه ۴

بیشرفت اجتماعی، به‌طرف نابود کردن استثمار فرد از فرد از یک سو مست گری به طرف نگهداری ارتجاع جهانی، یعنی تمام آن بردگی‌های دنیای کهنه، که ریشه اولیه‌اش استثمار فرد از فرد است، و به‌ویژه غارت و استثمار کشورهای در حال رشد از سوی سرمایه‌داری رشد یافته. به این ترتیب می‌شود این انتظار را داشت که روند تحول تاریخی دنیا که با انقلاب اکتبر در ۶۳ سال پیش آغاز و دهه‌دهه، به‌ویژه در دوران بعد از جنگ شتاب بیشتر شد، در دهه آینده باز هم سریع‌تر درجهت مثبت ادامه‌یابد. جنگ و نبردی سخت در پیش‌پیش خلق‌های جهان، نیروهای مترقی جهان، هست و ولی دورنمای پیروزی‌های بزرگی هم در مقابل چشمان ما قرار دارد. ما می‌توانیم این وضع را، مثلا با جنگ دوم جهانی مقایسه کنیم، که از سال دوم جنگ، یعنی پس از پیروزی عظیم نیروهای شوروی در استالین‌گراد، پس از شکستی که نیروهای آلمان فاشیستی در آنجا خوردند دورنمای جنگ عوض شد. دیگر معلوم بود که آلمان هیتلری با تمام جنایات و موفقیت‌هایی که می‌توانست نشان بدهد و با وجود آن که قسمت بزرگی از خاک شوروی و تقریباً تمام اروپا را در اختیار خود داشت، ولی می‌رفت به طرف شکست. هر چند ما می‌توانیم در آن دوران بعد از سالهای ۴۵-۱۹۴۲ حساب کنیم، ببینیم که اضمحلال نیروهای فاشیستی و جنگ دامن‌شتاب می‌گرفت. حالا هم امپریالیسم هنوز بخش عظیمی از نرسوشت دنیای محروم را در دست و چنگال خونین خود دارد و به‌بهره‌کشی بخش عظیمی از مردم جهان دست می‌زند. ولی تاریخ نشان می‌دهد که دیگر ناقوس مرگ امپریالیسم به صدا درآمده است و در دهه آینده با گام‌های بزرگی به سوی نابودی و نیستی خواهد رفت.

زیمباروه هر روز دامنه "بیشتری پیدا می‌کند. در شاخ آفریقا ما می‌بینیم که سواالی تبدیل شده به یک فتنگدار امپریالیسم آمریکا. برای فشار آوردن به جمهوری تازه‌زاده آنتیوی. همه این‌ها را ما می‌بینیم. ولی به‌منظر ما دهه آینده دهه "پیروزی‌های باز هم چشم‌گیرتر به‌سود نیروهای خلقی در جهان، به‌سود خلق‌های محروم در دنیا، به سود باز هم بیشتر آزاد شدن تعداد تازه‌ای از این خلق‌ها و به زبان مواضع امپریالیسم خواهد بود. امپریالیسم برای هیچ یک از بحران‌هایی که الان درگیر آن هست، نمی‌تواند راه حلی پیدا کند. چه بحران اضافه تولید، که به صورت بحران بیکاری و جحش‌کنندگی درآمده است و چه بحران انرژی هم به این آبهانی نمی‌تواند پی‌برورد. مسلماً در ده سال آینده با تحولات باز هم عمیق‌تری که در مناطق تولید کننده مواد انرژی، بخصوص در کشورهای نفت‌خیز، می‌شود انتظار داشت، بایستی قبول کرد که بحران انرژی هم دنیای سرمایه‌داری امپریالیستی را دوباره به لرزه درخواهد آورد و بحران اخلاقی و انسانی هم که به‌طور وحشتناکی این کشورها را گرفته است، تنها چیزی که اینک در کشورهای در رشد یافته سرمایه‌داری افزایش پیدا می‌کند، مصرف مواد مخدر است و دزدی و آدم‌کشی و فحشا. در دنیای مقابل، یعنی در کشورهای سوسیالیستی، وقتی که به‌مار آنها نگاه کنیم از پدیده‌هایی مانند مصرف مواد مخدر و فحشا و غیره اصلاً انرژی نمی‌بینیم. از سوی دیگر، تولید اجتماعی با آموزش عمومی، تعداد دانشکده‌ها، تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، دانشگاه‌ها، تعداد پزشک برای هر هزار نفر، تعداد مهندسین برای هر هزار نفر، همه این‌ها در حال رشد بی‌سابقه یعنی رشد شتاب‌گیر است. این جاست سابقه واقعی بین دو سیستم جهانی، یعنی دو سمت‌گیری جهانی: سمت‌گیری به طرف صلح، آزادی، استقلال و

پیش‌ش...

بقیه از صفحه ۶

کرده است. ما می‌بینیم که فشار روی خلق ویتنام، از طرف چین، از طرف کشورهای وابسته به امپریالیسم در اطراف ویتنام هر روز بیشتر می‌شود. چین به تحریکات سرحدی هر روز دامنه وسیع‌تری می‌دهد. نیروهای ارتجاعی فراری کامبوجیا که الان در کشور همسایه زیر حمایت و با کمک امپریالیسم آمریکا جان می‌گیرند خود را برای حملات شدیدتری به کامبوجیا آماده می‌کنند. هدف آنها هم تنها کامبوج نیست بلکه عبارت از این است که در صورت موفقیت در آنجا باز ویتنام را مورد حمله قرار بدهند. ماسی بینیم که در آمریکا لاتین فشار به کوبا، به کشور تازه پیروز شده در انقلاب-نیکاراگوئه هر روز بیشتر می‌شود و در اروپا تحریکات امپریالیست‌ها علیه کشورهای سوسیالیستی دامنه فوق‌العاده گسترده‌ای پیدا کرده است. ما می‌بینیم که امپریالیسم و چین و پاکستان تمام نیروی خود را بکار انداخته‌اند برای این که نگذارند افغانستان با آرامش و زندگی خود را در جاده سازندگی و رفاه عموم خلق زخم‌کش و تغییرات بنیادی در جامعه، بسرای ریشتمند کردن فتوایلیسم و سرمایه‌داری وابسته طی بکند. ما می‌بینیم که در جنوب آفریقا، آفریقای جنوبی دیگر بم اتمی با کمک آمریکا و اروپای غربی و اسرائیل درست کرده است و با تمام قوا در تلاش است برای این که کشورهای آزاد و مستقلی مثل آنگولا و موزامبیک را دومرتبه زیر سلطه خود در بیاورد، تحریکات امپریالیسم آمریکا در کشور تازه آزاد شده

کار فرمایان ضد انقلابی با تعطیل کارخانه‌ها در روند تولید اخلال می‌کنند

زیادی در سراسر کشور موجودند که مسئله مالکیت در آنها حل نشده است، و برخی از صاحبان این کارخانه‌ها به انواع توطئه‌ها علیه انقلاب دست می‌زنند. با آنکه نامه‌های شکوایه فراوان از سوی کارگران درج‌راید کشور دیده می‌شود، که خواستار روشن شدن وضع مالکیت در این کارخانه‌ها هستند، اما هنوز حدود مالکیت در بخش صنعتی ناروشن است و همین مسئله دشواریهای فراوان را در مناسبات کار و سرمایه بوجود آورده است. سرمایه‌داران وابسته‌ای که این روزها کمره دانما رکسی و پنیر هلندی و وورمیشل ایتالیایی را، اگر از زیر سنگ هم شده، تهیه و به کشور وارد می‌کنند و با بندوبست با طرفهای بازرگانی خود در کشورهای سرمایه‌داری، هر نوع کالایی را با چند دست واسطه تهیه و با قیمت‌های سرسام‌آور به مشتریان طاغوتی خود قالب می‌کنند، آنجا که پایداری تهیه مواد خام بعیان می‌آید، گنبدشان لنگ می‌شود و آیه "یا سدر گوش کارگران" سر میدهند و به بیانه کمبود و فقدان مواد خام، کارگران را به خیابانها میریزند.

اخیرا رسیدن از برخی کارخانها، دلالت بر تشدید فعالیت کار فرمایان ضد انقلابی در سو- استفاده از مشکلات و ناسامانیها برای تعطیل کارخانه‌ها دارد. بیانه‌های توقف و تعطیل گوناگون است: از فقدان وسایل بدکی و مواد خام گرفته، تا قطع برق و کمبود آن، بیانه تعطیل شده است تا آنجا که ما اطلاع یافته‌ایم:

* کار فرمای شرکت ساختمانی خور دین، چندی پیش ضمن اطلاعیه‌ای به کارکنان خود اطلاع کرد که به علت کمبود مصالح ساختمانی و نیز فقدان امکانات، ادامه عملیات ساختمانی متوقف می‌شود و کلیه کارمندان و کارگران شرکت، از این پس سمتی نخواهند داشت. اما کارکنان مدارکسی مبنی بر رد دلایل کار فرما در تعطیل کارخانه را به داده‌اند.

* کار فرمای کارخانه فرش و پتویی مازندران، در نخستین روزهای آذرماه، کارخانه را تعطیل و در برابر روی کارگران بست.

* کار فرمای کارخانه شاجی شیراز (پارچه بافی ایگار) به بیانه عدم امکان در استتار سریع کارخانه، تولید را متوقف داد، اما پس از یکماه، برای فشار کارگران، مجبوره استتار کارخانه شد.

* شرکت ما تا در چوکای گیلان، بعلمت نایبانیهای ناشی از عملکرد مدیریت در شرف تعطیل است.

* کارخانه اتومبیل سازی (سایپا) چندی است که عملا متوقف شده. در این کارخانه ۲۲۰۰ کارگر و ۵۰۰ کارمند کار می‌کنند. مواد اولیه کارخانه که قبلا از فرانسه تامین میشده، پس از انقلاب، بدتبال محاصره اقتصادی کشور از سوی امپریالیسم آمریکا، با تاخیر، کسری و تمام با ضایعات توسط فرانسه تامین میشود و مدیران کارخانه عملا مانع از عقد قرارداد جدید با سایر کشورها هستند.

این بود مثنی از خروار

توطئه کار فرمایان ضد انقلابی، بلافاصله پس از انقلاب آغاز شد، زمانی که عده زیادی از آنان، ماشینها و مواد اولیه را به پول تبدیل کردند و از کشور گریختند و آنها هم که ماندگار شدند، به کارشکنی در تولید ادامه دادند. بیانشان در کارخانه‌های بزرگ، بخش اعظم کارخانه‌ها به مالکیت دولت درآمدند، ولی هنوز کارخانه‌های

دستفروشان را دریابید!



اولین نظارات کارگران شرکت هوشیتف به همراه ۱۵ تن از شرکت اخراج می‌شود. بعد از انقلاب که کلیه کارگران با خرید می‌شوند، به او هیچ چیز داده نمی‌شود. درآمدش کفاف مخارج زندگی را نمی‌کند. در پاسخ این سؤال که از انقلاب چه انتظاری دارید، چنین گفت:

"ما از مسئولان امر می‌خواهیم که با ایجاد کار برای بیکاران و هم چنین قرار دادن وام در اختیار آن‌ها، که استطاعت آن را دارند که کارگاههای تولیدی و خدمات دایر کنند، قرار دهند."

اینها نمونه‌هایی بود از خیل عظیم بیکاران، که مشغول دستفروشی در بندر بوشهر هستند. به اینها باید گروه بی‌شمار میوه‌فروشان و تعویض روغنی‌ها و ... که در حاشیه خیابانها مشغول کارند، اضافه کرد.

زندگی دستفروشان نیز مانند دیگر زحمتکشان و مجروران جامعه بسیار اسفبار است. آن‌ها خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. آن‌ها توقع زیادی ندارند و حق طبیعی خود را، که یک انسان برای ادامه زندگی به آن احتیاج دارد، می‌خواهند. امیدواریم که مسئولان امور به خواسته‌های به حق دستفروشان پاسخ مثبت دهند.

"بعد از انقلاب انتظار داشتیم مکانی در اختیار ما قرار داده شود، تا با گرفتن وام بتوانیم یک کار ثابت داشته باشیم. اگر دولت این کار را انجام دهد، دستفروشی‌های خود را تعطیل می‌کنیم."

راجع به تهیه اجناس برای فروش گفت:

"تمامی اجناسی را که برای فروش می‌آوریم، مجبوریم از تهران و شهرهای بزرگ تهیه کنیم، بعلمت این که غیر از این چاره‌ای نداریم و در غیر این صورت متضرر می‌شویم. بعلمت درآمد کم روزانه، مسافرت و تهیه اجناس نیز دشواری‌هایی برای ما ایجاد می‌کند."

یکی دیگر از دستفروشها اسفندیار نام دارد. در ابتدای بازار قدیم بوشهر به دستفروشی لباس‌های بچگانه مشغول است. او متاهل است و ۷ فرزند دارد. در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کند. صاحب‌خانه چندین بار به او اخطار کرده بود که خانه‌اش را تخلیه کند. در این جریان دادگاه انقلاب و بنیاد مستضعفان از او حمایت کرده‌اند. قبل از انقلاب در شرکت هوشیتف (شرکت ساختمانی آلمانی که مشغول بنای ساختمان انرژی اتی در بوشهر بود) در بخش لوله‌کشی کار می‌کرده است. در جریان

بعد از تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بروج عظیم بیکاران افزوده گردید. و این امر می‌تواند حربه قوی برای سو-استفاده ضد انقلاب باشد. به همین جهت لزوم اقدامات قاطع و بنیادی از طرف دولت در جهت حل این بحران عظیم، باید انجام گیرد، تا ضدانقلاب را در این عرصه با شکست روبرو سازد.

زحمتکشان دستفروش در واقع گوشه‌ای از دریای عظیم بیکاران هستند که برای به دست آوردن حداقل هزینه زندگی به این کار روی آورده‌اند. در حاشیه خیابان‌های بندر بوشهر، قبل از گشوده شدن مغازه‌ها، دستفروشها بساط خود را پهن می‌کنند و مشغول کسب می‌شوند. چهره‌های گرم‌زده و آفتاب سوخته آنها نشانی از خستگی کار روزانه در زیر آفتاب داغ دارند. با آنها که به صحبت می‌نشینیم از مشکلات خود می‌گویند: از بیکاری و کمبود درآمد و گرانی و ... گرفته تا نداشتن مسکن و تامین زندگی آتیه. با یکی از آنها به صحبت می‌نشینیم. نامش محمد است. وی مجرد است. ۳۵ سال سن دارد. شروع به صحبت می‌کند:

"۴ الی ۵ سال است که دستفروشی می‌کنم و در خانه اجاره‌ای بسر می‌برم. او در مورد مخاطراتی که به علت بی‌سرباهی، از آن جمله خطرزدیدن اموالشان وجود دارد، سخن می‌گوید و سپس ادامه می‌دهد:

"هیچ‌گونه سندیکا و سازمانی برای احقاق حقوق خود نداریم. از این طریق کسب و کار ناراضی هستیم و اگر مقامات مسئول کاری را برای ما در نظر بگیرند، حاضریم دنگهای خود را تعطیل کنیم."

درباره انقلاب از او می‌پرسیم، می‌گوید:

"ما اکنون آزاد هستیم و می‌توانیم خواسته‌های خود را به گوش مسئولین برسانیم. غلامرضا رضایی، یکی دیگر از دستفروشهای حاشیه خیابان است. لباس و پارچه و از این قبیل چیزها می‌فروشد. او نیز چهار الی پنج سال است که مشغول دستفروشی است. متاهل است و چهار فرزند دارد. در آمد او نیز کفاف مایحتاج زندگی را نمی‌دهد. از گرانی و کمبود احتیاجات روزانه ناراحت است. درباره کار ثابت می‌گوید:

لیبرال‌ها ...

بقیه از صفحه ۳

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را، که لانه جاسوسی آمریکا را تهیه کردند و چوکاب متعفن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را بیرون ریختند و با افشای اسناد لانه جاسوسی نقاب از چهره‌های بسیاری دریدند، "فرزندان عزیز" که ملت را سرفراز کردند، "نامید، لیبرال‌ها آن‌ها را مورد توهین قرار دادند:

"ایم خودشان را می‌گذارند خط امام، خط شیطان‌اند اینهایی که افشا می‌کنند، آخه فلان فلان شده‌ها ... بی‌شرف‌اند اینهایی که می‌گویند ما با آمریکایی‌ها راه یک رفیقیم و راه سازش رفیقیم. اینها ضد انقلابند."

(ارسخترانی یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران، در روز ۱۹ اسفند ۵۸ در مسجد جامع نارمک)

افشا کنند و مانع از اجرای آن شوند. خطاب ما به مسئولان حکومتی است که با روشن ساختن حدود مالکیت در بخش صنعتی، به ملی کردن کارخانه‌های غیرمشمول اقدام کنند. ضمانت دولت می‌تواند با وارد کردن مواد خام اولیه از کشورهای که خواهان مناسبت عادلانه و برابر حقوق بازرگانی

لیبرال‌ها:

آزادی و عفو برای ضدانقلاب معلودیت و خشم علیه نیروهای مدافع انقلاب

لیبرال‌ها، از همان روز نخست با مجازات ضد انقلابیون و جنایتکاران رژیم پهلوی مخالفت کردند و عمل‌یادگاه‌های انقلاب را

این تصویر کوتاه، ولی دقیق، واقعیت کامل جامعه‌ای است که لیبرال‌ها در صدد ایجاد آن هستند. هشیار باشیم!

با ما هستند، سدره توطئه کار فرمایان شود و بیانه‌ها از آنان بگیرد. مدارا با ضد انقلاب به زیان انقلاب است.

سود انقلاب در این است اهداف فعالیت هیئت‌های هفت نفری برادارانه خضرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی

در شرایطی که ضدانقلاب از خارج و داخل کشور علیه انقلاب فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرده است، نباید اجازه داد که لبرال‌ها، عوامل مالکان بزرگ، چماقداران، روحانی- نمایان، که همه در جهت مخالف خط امام و اهداف انقلاب عمل می‌کنند، موفق به "آزاد گذاشتن غاصبین و غارتگران درمکیدن خون دهقانان زحمتکش شوند."

انقلاب ما همین درایت رهبر انقلاب و فعالیت میلیونها دهقان زحمتکش و هشیاری مسئولان انقلابی متعهد اجازه نخواهد داد که شیعه عمر اقتصاد کشور در دست‌های چپاولگر ناپاک و فاسد فئودالهای بزرگ قرار گیرد.

نیاز انقلاب ما و ضرورت شرایط بسیار حساس ناشی از جنگ و تشدید توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، حکم می‌کند که با ادامه اجرای کامل طرح شورای انقلاب، دسیسه مالکان بزرگ در نقطه خفه گردد و زمین به صاحبان اصلی آن برگردانده شود و میلیونها دهقان زحمتکش و ستم‌دیده به انقلاب امیدوار شوند.

مالکان بزرگ، پایگاه امپریالیسم و ضدانقلاباند. غارتگر و زورگو، مانع رشد اقتصادی، خرابکار در حربه و پشت جبهه هستند.

دهقانان زحمتکش پایگاه نیرومند انقلاب، ستون مهم ارتش بیست

میلیونی هستند، رنج دیده، ولی صاحب حق هستند، در رشد تولید و کشت بیشتر ذینفع هستند و چه در کشتزار نیروی مهم مقاومت در برابر تجاوز و توطئه شمار می‌روند.

هر قدر زودتر دوره "وقت تعویق" اجرا بند "ج" پایان یابد، بیشتر به سود انقلاب است.

هیئت‌های هفت نفری هر قدر بیشتر مورد حمایت نهادهای انقلابی و مسئولان آگاه قرار گیرند، بیشتر به سود انقلاب است.

ادامه فعالیت هیئت‌ها از هم- اکنون و در تمام مناطق مساعدودر مورد بندهای از قانون، که می‌تواند غالب اراضی مالکین بزرگ را دربر گیرد، به سود انقلاب است. بزرگ مالکی باید حتما و کلا ریشه‌کن شود. این وظیفه حتمی و ناگزیر انقلاب و شرط تداوم، سلامت و پیشرفت آن است.

می‌تند. همین اخیرا وزیر کشاورزی به درستی اظهار شدیدی داد و عمل فئودال‌ها را ضد انقلابی دانست. واقعیت این است که سیردن مجدد بخش عظیمی از تولید کشاورزی کشور به دست بزرگ مالکان تهدید می‌شود. عظیم برای استقلال اقتصادی میهن است. آنها برای ضربه زدن به انقلاب، با سوءاستفاده از مشکلات شرایط جنگی و کمبودها و بیانه‌های مختلف، از زیرکشت بردن اراضی سرباز می‌زنند. ادامه مالکیت آن‌ها آشکارا به زیان انقلاب و اقتصاد ما و میلیون‌ها ایرانی است.

تعویق موقتی بند "ج" نباید بیانه‌ای به دست این غارتگران برای جلوگیری از یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های انقلاب شود. نباید گذاشت که این طاغوتیان استثمارگر مثل خوره به جان جمهوری اسلامی ایران و اهداف خلقی آن بیفتند و با کمک لبرال‌ها، این موربانهای انقلاب، و روحانی‌نمایان، این آفات نابود کننده انقلاب، ثمرات آن‌ها را بپزند و مقاومت را به باد دهند.

توقف در اجرای بند "ج" طرح شورای انقلاب در عمل نمی‌تواند مانع واگذاری اکثر اراضی زمین- داران بزرگ به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین شود، زیرا در واقع اکثر این اراضی مشمول بندهای "الف" و "ب" می‌شوند و تا هنگامی که این تعویق موقتی ملغی شود، وظیفه انقلابی هیئت‌های هفت نفری است که عملا غصبی بودن اکثریت مطلق اراضی بزرگ مالکی باکشت شدن کامل و کافی آن‌ها و بازگذاشتن تعمدی آن‌ها و پاک‌کاری بر روی آن‌ها را اثبات کنند و زمین‌ها را به دهقانان واگذار نمایند.

واگذاری زمین منشر شد و باعث تاسف گردید. عدم اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب، حتی به صورت تعویق موقتی، در جهتی است که نمی‌تواند نیازهای مرمز انقلاب را برآورده سازد و به حل یکی از حادترین مسائل میهن انقلابی ما کمک کند. برعکس، می‌تواند دستاویز و بیانه‌ای برای ادامه چپاولگری و غارت بزرگ مالکان و غاصبان قرار گیرد. در صورتی که همه می‌دانند- همان‌طور که امام خمینی گفته‌اند- غالب این مالکیت‌ها از طریق سند سازی و تصرف عدوانی به دست اربابان افتاده است و در واقع اکثر زمین‌های اربابان مشمول بند "ب" می‌شود، اکثر این زمین‌ها یا غصبی است یا تعمداً به زیر کشت نمی‌رود. بنابراین عمل هیئت‌های هفت نفری در آنها کاملا ضروری است.

در این شرایط حساس که میهن انقلابی ما به جنگ با امپریالیسم و صدام مشغول است، باقی گذاشتن این اراضی در دست اربابان به اسم توقف بند "ج" به خودکفایی کشاورزی و استقلال اقتصادی ضربه خواهد زد. بدون شک برای مسئولین صادق و با حسن نیت واگذاری زمین این شبهه وجود ندارد که می‌توان گریز را رام کرد و با عدم اجرای بند "ج" زمین- داران بزرگ را گویا می‌توان تشویق کرد که به خودکفایی کشاورزی کمک کنند. آنها به درستی می‌دانند که این غارتگران هرگز به فکر آن نیستند که عدم برداشت محصول در مناطق جنگی را جبران کنند. آتش زدن خرمن‌ها، تخریب کشتزارها و تلمسه‌ها و خراب‌کاری‌های عظیمه نشان داده است که نیش اربابان غارتگر برای نظام پیوسیده شاهی و امپریالیسم

نهاد انقلابی تازه، فعال، مردمی، متکی به مردم و خصم زورگویان مجبیز و غنی تر شد. در سراسر میهن انقلابی، هیئت‌های هفت نفری شروع به فعالیت کردند. در هر محل دو نفر از اعضا هیئت به انتخاب خود دهقانان برگزیده می‌شدند و ۵ تن دیگر نمایندگان نهادهای انقلابی و ادارات دولتی مسئول بودند. هیئت‌های ۷ نفری، مأمور اجرای قانون واگذاری زمین مصوبه فروردین ۵۹ و آیین- نامه اجرایی اردیبهشت ۵۹، در کنار نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی و پاسداران مردمی، برای ریشه‌کن کردن بزرگ مالکی به پا- خاستند و با تأکید امام خمینی و پشتیبانی میلیونها دهقان کار خود را دنبال کردند. در برابر این جنبه انقلابی و تحول‌بخش، یک جبهه ضد انقلابی و بازدارنده قد علم کرد.

زمین‌داران بزرگ و چماقداران آنها و روحانی‌نمایان وابسته به آنها و مخالف با خط امام و لبرال‌های دستیار آنها و موافق با سلطه صاحبان زور و زر از هیچ توطئه‌های رویگردان نشدند. این پایگاه امپریالیسم و ضد انقلاب با اعمال انواع فشارها کوشیدند تا با تاخیر و توقف به روند انقلاب ضربه بزنند و آن‌را، به منزله عقب‌نشینی و عدم کارایی نهادهای انقلابی وانمود سازد. از این راه آنها کوشیدند تخم باس و نومیدی در میان دهقانان بپراکنند و انقلاب را تضعیف و شالوده حاکمیت و مالکیت غاصبانه خود را مستحکم کنند. در این شرایط است که اطلاعیه ستاد مرکزی هیئت‌های هفت نفری در مورد توقف، هر چند موقتی، اجرای بند "ج" طرح

طرح شورای انقلاب در مورد واگذاری و احیاء اراضی، که بنا تاخیر، اما پیر بار، به سود انقلاب و استقلال و آزادی ایران و در جهت رشد اقتصادی کشور به تصویب رسید، و با امضاء و تأیید آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی، یکبار دیگر خط بیرون اسلام راستین، خط خلقی امام خمینی را از خط روحانی- نمایان و وعاظ السلاطین جدا کرد، خون‌تارهای در رگهای دهقانان زحمتکش به جریان انداخت و کام مهمی به سوی تعمیق انقلاب و نیل به هدف‌های اساسی آن به شمار رفت. دهقانان بی‌زمین و کم- زمین، این دست‌ها- و بازوهای رنج و کار، با جان و دل از تصمیم شورای انقلاب دایره به ریشه‌کن کردن فئودالیسم پشتیبانی کردند. آنها به عیان دریافتند که ادامه انقلاب دست غارتگران و غاصبان را در تمام سطوح با قدرت و توانمندی قطع می‌کند، زیرا متعلق به رنج- دیدگان و محرومان است و حاصل یک عمر مشقت و رنج دهقانان را به آنها باز می‌گرداند و حق را به حقدار می‌رساند. دهقانان به درستی از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی خود انتظار انجام اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی را داشتند و دورنمای اجرای آن را دیدند.

رهنمود امام خمینی در مورد سیردن حق تصمیم‌گیری برای واگذاری و احیاء اراضی به آیت‌الله منتظری و آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مشکینی و نتیجه جلسه مشترک این سه فقیه، مشت محکمی بر دهان مالکان بزرگ و بخصوص روحانی‌نمایان جیرمخوار فئودال‌ها زد و لبرال‌هایی را، که هم‌دست غارتگران‌اند و از زمان دولت موقت خرابکاری می‌کردند، به جای خود نشاند.

هیئت‌های هفت نفری با شروع به اجرای این طرح به عنوان یکی از ستون‌های محکم و استوار انقلاب شکوهمند ما، در خدمت به توده‌های محروم روستا و مقابله با بهره‌کشی و ظلم و جور غاصبان و بزرگ مالکان از هیچ کوششی دریغ نرورزیدند و در اجرای سخن امام خمینی، که فرمود: "حقوق حقه مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند، به محرومین پس داده می‌شود"، به جان کوشیدند. در عمل انقلاب ما در سیر ظفرمند خود بایک

باز کاران آذربایجان شرقی



در آذربایجان شرقی ۱۶۰۰ هکتار زمین زیر کشت پیاز است، که یک چهارم نیاز کشور را برآورده می‌کنند. اما سطح تولید یائین است، و سنابل کار نیست، شرکت تعاونی نیست، واسطه‌ها پیمان می‌کنند شرایط زندگی و تولید نا مناسب است، به این دهقانان باید کمک کرد تا تولید را بالا ببرند و اقتصاد سالمی را پایه ریزی کنند. هر کیلو محصول بیشتره ضررهای است به توطئه آمریکا!

آراضی مشمول قانون اصلاحات ارضی فراوانند

هر چه سریعتر این قانون را به اجرا در آورید

همچنین آب لوله‌کشی ندارد و آب مصرفی اهالی از قنات تا مین می‌شود. در این روستا شورا تشکیل شده است. قنات روستا به وسیله جهاد لایروبی شده است. روستا مدرسه دارد، ولی معلم ده هفتای دوروز می‌آید و بچه‌ها به طور پیگیر آموزش ندیده‌اند. یکی از اهالی روستا دیپلم دارد و بیگزار است و حاضر است معلم روستا شود. اینکه متأسفانه اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی موقتا به تاخیر افتاده است، باید هر چه بیشتر از هیئت‌های هفت نفری حمایت کرد، تا آنها فعالیت خود را ادامه دهند و به اجرای زمین دارند. زمین بایر بسیار زیاد و در مقابل آن آب برای آبیاری بسیار کم است. آقای حسن باقری می‌گوید: "۱۰۰ جوان بی‌کار این روستا در قم هستند. اگر آب در ده باشد، دیگر بقم نمی‌روند و نیز عده‌ای از جوان‌ها در شهریار مصفی کاری می‌کنند. روستای گلستانه فاقد درمانگاه و دیگر امکانات درمانی است و فقط پزشک از سوی جهاد به این روستا اعزام می‌شود. فاصله روستا تا نزدیکترین درمانگاه یعنی گازرون ۱۸ کیلومتر است. روستای گلستانه روستای گلستانه، واقع در بخش طوقرود خلیجستان و از توابع شهرستان قم است. این روستا تا مرکز بخش ۵ کیلومتر فاصله دارد. در روستای گلستانه در تابستان ۲۵ خانوار زندگی می‌کنند و در زمستان، به خاطر درس بچه‌ها این عده به ۱۴ خانوار تقلیل می‌یابد. اهالی روستای گلستانه به کشاورزی و دام داری اشتغال دارند. تعداد خانوارهای کشاورز ۱۲ تا است. در روستای گلستانه ۴ خانوار فاقد زمین هستند و نصفه کاری می‌کنند. سایر خانوارها همگی کشاورز هر کدام بین ۳ تا ۲۵ هکتار

دهقانان زحمتکش! دفاع از میهن و درهم شکستن توطئه امریکا به معنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز هست. یک وجب از زمین زراعی را بدون کشت نگذارید.

بیل شما که بزمین فرو می‌رود سر نیزه‌ای است به قلب دشمن

نورالدین
کیانوری
«پرسش و پاسخ»

تلاش‌های امپریالیسم جهانی برای تغییر تناسب نیروها و بازیان خلق‌ها، محکوم به شکست است!

جلسه معمول «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد. شرکت‌کنندگان در جلسه پرسشهای گوناگونی را در این جلسه مطرح کردند که رفیق کیانوری به آنها پاسخ گفت. بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره امروز درج می‌شود و بخش‌های بعدی آن در شماره‌های آینده نام‌نرمدمه به چاپ خواهد رسید.

س: امپریالیسم می‌کوشد تا در صحنه جهانی همجا به متشنجات دامنه‌دار دست بزند و ظاهراً دنیا را به دوران جدید جنگ سرد بکشد. تمرکز عظیم نیروهای امپریالیستی در خلیج فارس، تحریکات چین در مرزهای ویتنام و کامبوجیا و ایجاد کانون‌های جدید تشنج در آفریقا، آمریکا لاتین و غیره، چند نمونه این سیاست تنش‌فزا امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. با توجه به این واقعات آیا می‌توان گفت که امپریالیسم جهانی در حال پیشروی است؟ امکان این هست که امپریالیسم، بدین ترتیب، بر توان خود بیافزاید و تناسب نیروها را در دنیا، به سود خود تغییر دهد؟ آیا این به منزله خطری برای آینده جهان نیست؟

ج: به‌طور کلی این چند سؤال با اضطراب نوشته شده است. برعکس این سؤال کنندگان نظر ما این است که این اضطراب آن قدرها بجا نیست. این درست است که از دوسه سال پیش به این طرف امپریالیسم آمریکا در تمام زمینه‌های سیاست جهانی و در همه جا به حمله فوق‌العاده وسیعی پرداخته و سیاست خود را، به‌ویژه نسبت به کشورهای سوسیالیستی، و همچنین نسبت به کشورهای بی‌طرف و جنبش‌های اصلی ضد امپریالیستی خشن کرده است. در صحنه جهانی واقعا ما شاهد این هستیم که کشورهای امپریالیستی کوششی کنند که برای مقابله با این «جهت» عظیم ضد امپریالیستی جهانی - که کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و جنبش‌های اصلی کارگری کشورهای سرمایه‌داری سه عنصر عمده آن هستند - جبهه متحدی تشکیل دهند و سیاست متحدی را در پیش بگیرند. همچنین درست است که در این جا و آنجا هم امکان این هست که امپریالیسم موفق شود، همانطور که در گذشته هم موفق شده است، بعضی از پایگاه‌های از دست رفته خود را پس بگیرد و با این که مواضع متزلزل شده خود را دوباره استحکام بخشد. درست است که در این چند سال اخیر با نزدیکی رژیم جمهوری خلق چین، به امپریالیسم جهانی و موضع گیری کاملاً خصمانه آن نسبت به مجموعه «جبهه» ضد امپریالیستی جهانی، به‌ویژه نسبت به کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی، یک تغییر کیفی در تناسب نیروها بوجود آمده است. ولی، همه این عوامل متغی که ما از این طرف تمرکزیم در مقابل عوامل مثبتی که در جهت تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی به سود جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی و به زیان امپریالیسم تمام شده، به نظر ما ضعیف‌تر است. یعنی اگر ما دهه هشتاد را، که هنوز چند روزی از آن باقی مانده است، دقیقاً مورد مطالعه قرار بدهیم، می‌بینیم که درگیری‌های میان دو جبهه امپریالیسم و ارتجاع از یکسو و جبهه نیروهای ضد امپریالیستی از سوی دیگر، مثل بازی فوتبالی بوده است که هر دو طرف به یکدیگر چند گل زده‌اند. ولی مجموع گل‌های جبهه نیروهای ضد امپریالیسم ۱۹۲۰ هنوز درگیری‌های خیلی سختی که امپریالیسم امیدوار بود در آنها بتواند موفقیت‌های بزرگی پیدا کند، دنیا وجود داشت. ولی پس از شکست وحشتناکی که امپریالیسم در ویتنام خورد و مجبور شد که تمام نیروهایش را جمع کند و به خانه خود برگردد، دنبال این شکست یک تحول عظیم در همه جهان در جهت تغییر مواضع امپریالیسم بوجود آمده است. آمریکا با وجود آن همه نیروی و تمامیت متحرک کرد و آن همه سلاحی که در آنجا ریخته و مبلغ گزاف صدویست تا دویست میلیارد دلار خرج کرده بود، نتوانست آن کشور را نگه دارد و با دادن پنجاه هزار کشته و صد و پنجاه هزار زخمی و با بی‌آبرویی مطلق مجبور شد که، نه تنها از ویتنام، بلکه همچنین از لاوس و کامبوجیا فرار کند. حتی توطئه «بعدی چین و آمریکا» هم در کامبوجیا برای ایجاد یک «جبهه» ضد ویتنامی با شکست روبرو شد. بعد در آفریقا هم دیدیم که چندین کشور، مانند آنگولا و موزامبیک، از سلطه «استعمار تاریخی» برتقال و امپریالیسم جهانی متحدان، آزاد شدند. در کشورهای مثل اتیوپی، نیکاراگوا و افغانستان انقلاب‌های بسیار جالبی، با ست‌گیری سوسیالیستی، به وقوع پیوست. در همین ایران خود ما که یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های جهانی امپریالیسم بود، انقلاب شکوهمند تاریخی ۲۲ بهمن پیروز شد. همچنین ما می‌بینیم که در پاکستان که یکی از پایگاه‌های بزرگ امپریالیسم جهانی است، متزلزل‌های خیلی جدی بوجود آمده است. در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین، یعنی مناطق و قاره‌هایی که به طور کلی خلق‌های محروم جهان در آنها متحرک شده‌اند، ما شاهد یک حرکت فوق‌العاده نیرومند ضد امپریالیستی هستیم. در بسیاری از این مناطق پیروزی‌های چشم‌گیر حاصل شده است و در برخی نیز پیروزی‌های قابل توجه مشاهده می‌گردد. البته در همین مقطع امپریالیسم هم توانست، در مصر مواضع خود را تحکیم کند و مصر را از خانواده کشورهای ضد امپریالیستی بیرون بکشد. امپریالیسم نتوانست در بعضی از نقاط دیگر هم مواضع مستحکم‌تری برای خود درست کند. سوماترا را به‌طرف خودش جلب کند و کشورهای ارتجاعی عرب را بیشتر به خودش متصل کند. اینها هم پیروزی‌هایی است که امپریالیسم نتوانست است در مقابل پیدا کند. ولی اگر همه این‌ها را در مقابل هم جمع و تفریق بکنیم، می‌بینیم که به حساب «جبهه» عظیم جهانی ضد امپریالیستی خیلی برد بیشتری باقی می‌ماند تا برعکس. البته این هم واقعتاً است که امپریالیسم با وجود این باخت‌های بزرگی که کرده و مواضع نسبت به ده سال قبل، نسبت به بیست سال قبل، نسبت به سی سال قبل به مراتب ضعیف‌تر شده است. پس از یک دوران تشنج زدانی به یک حمله متقابل دست زده است. به نظر ما این کاملاً قابل فهم است. امپریالیسم آمریکا پیروز شکست‌خورد ویتنام، در داخل کشور خود با یک جو خلقی توده‌ای مواجه شد. با آن تلافی که جنگ ویتنام برای مردم آمریکا بوجود آورده بود، آنها احساس کردند که شکست یعنی چه؟ چون واقعا، این اولین شکست آمریکا در تاریخ حیات این کشور بود. ویتنام نه تنها برای مردم آمریکا تلفات جانی و مزار اقتصادی بهار آورد، بلکه همچنین سرخوردگی آنها را دامن زد. این شکست در روحیه مردم آمریکاداران تاریخ‌ناخبر خیلی زیادی

گذاشت. آن‌ها دیگری هیچ وجه‌مقاوم نبودند که از سیاست تجاوز امپریالیسم آمریکا به این آسانی پشتیبانی وسیع کنند. این عاملی بود که امپریالیسم آمریکا در یکمتر حد آن باید در محاسبات خود به آن توجه می‌کردند. به همین دلیل، ما خوب به خاطرمان هست که هم‌فرد و هم‌کارتر با برنامه‌های خیلی صلح‌طلبانه و طرفدار تشنج‌زدانی در انتخابات ریاست جمهوری نمایان شدند. در صورتی که آن‌ها می‌توانستند از تشنج‌زدانی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هیچ رئیس‌جمهوری غیر از نماینده «واقعی» انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری، بخصوص انحصارهای نفتی و تسلیحاتی، املا امکان این را نداشتند که بتوانند استی را جز «لیست کاندیداهای انتخاباتی دو حزب - دمکرات و جمهوریخواه» بگذارد. چون هر دو حزب، حزب‌های «وال استریٹ» هستند. این را دیگر همه دنیا می‌دانند که هیچ تفاوتی بین این دو حزب نیست. بین جاسوسی که مال دمکرات‌ها بود و نیکسونی که مال محافظه‌کارها، از نظر کیفی هیچ تفاوتی نمی‌شد قائل شد. حتی اتفاق می‌افتد که زیر فشار توده مردم، نیکسون محافظه‌کار صلح‌طلب از جانشین دمکرات می‌شد. یعنی اختلاف واقعی بین مابیت این دو حزب اصلاً وجود ندارد و هر دو آن‌ها نماینده «مجمع‌های بزرگ نظامی - صنعتی و نفت آمریکا» هستند. این جمع‌ها هستند که در آمریکا حکومت می‌کنند و اکثریت کرسی‌های پارلمان دست آن‌ها است. تمام روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها همه این‌ها هستند. این انحصارهای بزرگ قدرت انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری آمریکا هستند که، بر تمام انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری جهان یعنی انحصارهای چندملیتی حکومت می‌کنند و آن‌ها را در جنگ خود دارند. به این ترتیب تصور این که آقای کارتر واقعا آدم صلح‌خواهی بود و بعد آمد در جریان ریاست جمهوری تغییر نظر داد، تصور خیلی کودکانه و ساده‌لوحانه‌ای است. سیاست هواداری کارتر از تشنج‌زدایی فقط برای گول زدن، برای جمع کردن آرای مردمی بود که حاضر نبودند در آن تاریخ به یک سیاست جنگ‌طلبانه، یک سیاست تجاوزکارانه، رای بدهند و تمام نقش کارتر عبارت از این بود که با این کوشش صلح‌طلبانه به میدان آهسته‌آهسته این کوشش را تبدیل کند به یک جنگ. یعنی این محیطی که در نتیجه تغییر در داخل افکار عمومی مردم آمریکا پیدا شده بود این محیط را به تحریک به تعرض عرضی بکند. ما به سیاست کارتر که نگاه کنیم، می‌بینیم از ابتدای همین روش را در پیش گرفت: روش ایجاد تحریک در این جا و آن‌جا دنیا، استفاده از هر حادثه‌ای برای ایجاد تحریک، برای بهم زدن جو تفاهم، جو تشنج‌زدایی که در دنیا قوت گرفته بود، درروای، تمام تاریخچه «جسداله» حکومت کارتر نشان دهنده «پیشروی گام به گام در این جهت است. به نظر ما تمام سیاست آمریکا متوجه این بود که با توجه به شکست‌هایی که در دهه هفتاد خورد است با تمام قوا بتواند جلوی این پیشرفت را، که داشت تبدیل به هزینه برای امپریالیسم آمریکا و دیگر متحدانش می‌شد، بگیرد. امپریالیسم ضربه‌ای که بر امپریالیسم آمریکا وارد آمد، انقلاب ایران بود. امپریالیسم آمریکا کج شد. هیچ تصور این را نمی‌کرد که در بزرگ‌ترین «جزیره‌های» جهانی، که آن قدر به آن می‌بالید، این جزیره ثبات در عرض یک مدت بسیار کوتاه به میدان عظیم زلزله‌خیزی تبدیل شود که پایگاه‌های حاکمیت امپریالیسم را نه فقط در یک کشور بلکه در منطقه‌ای عظیم - آن هم منطقه‌ای از لحاظ نظامی - اقتصادی و استراتژیک بسیار حساس - به لرزه در آورد. این جا بود که دیگر امپریالیسم به تدریج اعصابش را از دست داد. به این ترتیب می‌بینیم که مجموعه «تحولاتی که در دهه‌ها اخیر اتفاق افتاده است، محصول یک تغییر محسوس تناسب نیروها در جهان است. به سود جبهه» عظیم ضد امپریالیستی و به زیان امپریالیسم و ارتجاع. این تغییر تناسب فقط در یک بخش، یعنی ملاً تنها در جنبش‌های آزادی‌بخش ملی نیست، در تناسب بین نیروهای کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی هم همین تغییر تناسب نیروها را می‌بینیم. ما خوب می‌بینیم که از لحاظ نظامی، اقتصادی و فرهنگی، تغییراتی که در این دهه‌ها اخیر در بین کشورهای سوسیالیستی از یک طرف و کشورهای امپریالیستی از طرف دیگر اتفاق افتاده است به‌طور خیلی روشن در مجموعه ورزش به سود کشورهای سوسیالیستی است. از لحاظ نظامی، دیگر افسانه نیرومندتر بودن دنیای امپریالیستی به‌طور کامل و برای همیشه به خاک سپرده شده است. دیگر امروز خود امپریالیست‌ها هم باید بپذیرند که تصور امیدواری‌هایی که داشتند که بتوانند از لحاظ نظامی از کشورهای سوسیالیستی جلو بمانند، این دیگر یک رویایی بیشتر نیست و هیچ‌گاه به حقیقت تبدیل نخواهد شد. این را هم دیگر باید امپریالیست‌ها به تدریج بپذیرند که کشورهای سوسیالیستی از نظر اقتصادی هم، به‌طور منظم به جلو می‌روند. رشد اقتصادی کشورهای سوسیالیستی، با وجود آن که نمی‌تواند از بحران اقتصادی که جهان سرمایه‌داری را در بر گرفته است، کاملاً مصون بماند و طولی رزم دشواری‌های بسیار وقت، به‌طور بزرگ‌تر و مزبور ادامه پیدا می‌کند. ولی کشورهای دنیای امپریالیستی - اسم پیشرفته رویشان نگذاریم، چون آنها واقعا پیش نیستند - یعنی در آمریکا، کانادا، اروپای غربی و ژاپن الان نزدیک به بیست میلیون بیگار وجود دارد. کارگرانی هستند که سال‌ها است دنبال کار می‌گردند، دستخوش بحران طولانی هستند. در آلمان غربی که تا همین سال گذشته «جزیره ثبات» دنیای امپریالیستی بود، ما امروز با رکود اقتصادی، با عقب رفتن اقتصادی و با رشد سریع بی‌کاری روبرو هستیم. از آلمان غربی که سنگین‌ترین و مطمئن‌ترین ارزها بود و بعضی تصور می‌کردند که دیگر هیچ وقت دچار متزلزل نخواهد شد در چند ماه اخیر دچار بحران‌های جدی شده است. علاوه بر این سی تا چهل درصد امکانات تولیدی این کشورها خوابیده است. دیگر بازار برای خرید به اندازه کافی نیست. در کشور خودشان و نه در دیگر نقاط دنیا دارند. بحران اقتصادی کشور - های سرمایه‌داری که به دنیای سوم هم کشیده شده خود به صورت یک ضربه متقابل باعث تشدید بحران در داخل کشورهای سرمایه‌داری شده است. ولی در طرف دیگر ما می‌بینیم که کشورهای سوسیالیستی به‌طور منظم رشد طبیعی چهاررویم، پنج، شش درصد به تناسب کشورهای مختلفه را نشان می‌دهند. یک نفر می‌گوید در این کشورها نیست. برعکس همچنان به نیروی کار نیاز هست. رشد فرهنگی و اجتماعی از لحاظ آموزش و خدمات پزشکی در تمام زمینها توسعه و گسترش بی‌سابقه‌ای پیدا کرده و حتی نسبت به ده سال قبل خود این کشورها در این ده سال شتاب خیلی زیاد گرفته است. ارقام دیگر نشان‌دهنده این پیروزی‌های بزرگ کشورهای سوسیالیستی هستند. تفاوت بین سطح اقتصادی و امکانات اقتصادی کشورهای امپریالیستی و سوسیالیستی به سود سوسیالیسم و به زیان امپریالیسم اختلاف محسوس پیدا کرده است. برای دهه نود هم که چند روز دیگر شروع می‌شود، امپریالیسم غیر از یک

دورنمای تاریک، دورنمای تشدید بحران، دورنمای تشدید بی‌کاری، دورنمای گران‌وتورم، هیچ چیز دیگری نمی‌تواند، به خلق‌ها ارائه کند. در این روزها نقشه‌های پنج و ده ساله کشورهای سوسیالیستی، که حاکی از دورنمای رشد هرچه سریع‌تر این کشورهاست، در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منتشر می‌شود. دیگر کسی نیست که در اجرای این نقشه‌ها تردید کند. اول می‌گفتند این نقشه‌ها خیال پرستانه است و قابل اجرا نیست. اما حالا که دهمین این نقشه‌ها اجرا می‌شود، دیگر کسی تردید نمی‌کند که این نقشه‌ها هم حتماً انجام خواهد شد و آن هم با نتایجی بهتر از قبل. امپریالیستی جهان شده است. فقط شامل بخش جنبش‌های رهایی‌بخش ملی یعنی نیروهای ضد امپریالیستی خلق‌های محروم دنیای سوم نمی‌شود در زمینه تناسب قوای کشورهای امپریالیستی و سوسیالیستی هم کاملاً محسوس است. در جنبش کارگری جهانی هم این کاملاً مشهود است. به خوبی دیده می‌شود که در کشورهای سرمایه‌داری جنبش کارگری هم ست‌گیری‌اش، هم از لحاظ کیفی، هم از لحاظ کمی در حال نیرو گرفتن است. در کشورهای مانند فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی و بریتانیا تاثیر جنبش‌های کارگری بر روی دولت‌های نماینده انحصارات، به‌ویژه در تحمل سیاست تشنج‌زدایی، هر چه بیشتر می‌شود و این جنبش‌ها به عامل اجتماعی موثرتری تبدیل می‌گردد. خوب، البته هنوز به این جا نرسیده است که در این کشورها حکومت‌ها رانبروهای کارگری به دست بگیرند. البته در بعضی از کشورهای دولت‌های هستند که خودشان را نماینده طبقه کارگر کشور می‌دانند. مثل آلمان غربی، مثل دولت لیبروریستی انگلستان. این نمونه‌ها هست. ولی خوب می‌دانیم که این امزاج سوسیال دمکرات جلد دوم حزب دمکرات آمریکا و یا حزب جمهوریخواه آمریکا یعنی از همان نمایندگان انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری هستند، که این سنت را دارند، که قشر عظیمی از طبقه کارگر کشور خود را هنوز در سلطه تبلیغاتی خودشان دارند. هنوز وضع بحرانی در این کشورها به آن حد نرسیده است که طبقه کارگر خود را از زیر دست این رفوژیست‌ها، این نمایندگان ظاهراً متقدمی انحصارهای سرمایه‌داری، در بیارود. این هم تجربه تاریخی لازم دارد. آن روز هم خواهد رسید. شما جوان‌ها حتماً شاهد آن روز هم خواهید بود که در انگلستان و فرانسه و آلمان غربی هم نیروهای واقعی کارگری خود را از این سلطه سوسیال دمکراسی در بیاروند و در جهت جنبش واقعی کارگری و ایجاد یک حکومت واقعی متکی بر طبقه کارگر گام بردارند. هنوز دیر نشده است. اگر ضمت و دوسال بعد از انقلاب اکتبر این همه پیروزی برای جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهانی آورده، باید انتظار داشته باشیم که این بیست سال آخر قرن ما هم، حتماً پیروزی‌های به مراتب منظم‌تر برای جنبش‌های انقلابی جهان در برداشته باشد. به این ترتیب به نظر ما این حملات دوران اخیر امپریالیسم جهانی عبارتست از حملاتی از مواضع ضعیف‌تر شده، برای ترمز کردن این حرکت عظیم نیرومند. این سلیبی که در دنیا هر روز قدرت بیشتری می‌گیرد. این تلاش برای آن است. ما می‌بینیم وقتی شهری در معرض خطر سیل هست، مردم شهر می‌روند به بیرون و بیش از حالت عادی زمین را می‌کنند و صلح‌بند درست می‌کنند که در حالت عادی وقتی خبری از سیل نیست، چنین حرکتی دیده نمی‌شود. این طبیعی است که وقتی نیرویی خود را در خطر بیشتری ببیند، از خودش عیان‌تر به مراتب زیادتری نشان می‌دهد. یک قانون طبیعی هست که وقتی موجود زنده‌ای، پدیده زنده‌ای، مثل یک جامعه، مثل سرمایه‌داری جهانی، خود را در خطر ببیند، تلاشش برای اینکه آن خطر را از خود دور کند، زیادتر است. ما در این تلاش بر عصبانیت و آشوبت امپریالیسم جهانی یک جنبش تلاشی را از مواضع ضعیف شده می‌بینیم. خوب، حالا آیا واقعا ما با یستی بگیریم بخوابیم و خیالمان راحت باشد، که امپریالیسم دارد شکست می‌خورد و دیگر ما کاری نداریم. به‌کلی برعکس است. ما می‌بینیم در یک پلنگ زخم خورده همیشه هارتر و خطرناک‌تر است. این کاملاً طبیعی است. جنبش‌های انقلابی ضد امپریالیستی باید کاملاً هوشیار باشند که امپریالیسم در این مرحله ضعیف‌تر شدن خودش هارتر، درنده‌تر و خطرناک‌تر است و تنها بیداری و موضع گیری درست می‌خواهد که بتواند ضربه عظیمی را بر این پلنگ درست زده. این حکم در مورد خود ما که زخم عمیقی بر عقی امپریالیسم وارد آورده‌ایم نیز صادق است. به نظر ما، مسئله وحدت و اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی در جهان برای دردم شکستن این حمله تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی اهمیت تاریخی فوق‌العاده زیادی دارد. به همین دلیل هم هست که ما توصیه و کوشش می‌کنیم که ست‌گیری سیاست خارجی ایران در جهت مواضع جمهوری اسلامی ایران در مقابل هجوم همه‌جانبه‌ای باشد که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، و تمام ارتجاع جهانی علیه انقلاب ایران آغاز کرده‌اند. ما باید در سیاست خارجی خود هر چه سریع‌تر هر چه بود بیشتر در جهت حرکت فزاینده در این جبهه جهانی ضد امپریالیسم گام برداریم و مناسبات خود را با تمام نیروهای این جبهه با هر سه عنصر عده تشکیل دهنده آن، یعنی کشورهای سوسیالیستی، کشورهای غیرمتصل و مستقل دنیای در حال رشد و جنبش‌های کارگری کشورهای سرمایه‌داری گسترش دهیم، تقویت کنیم، و کلیه عواملی را که در جهت متزلزل کردن این مناسبات، یعنی در جهت خرابکاری در این سکرهای جهانی علیه امپریالیسم و تجاوزات آن، انجام می‌گیرد از راه برداریم. ما از این تحولی که در یکی دو ماه اخیر در روشن کردن سیاست خارجی ایران انجام گرفته همیشه استقبال کرده‌ایم و از این بابت خوشحال هستیم. بهترین دلیل این است که این تحول به سود انقلاب ایران است، از نایب‌هایی است که از زبان رادیوهای امپریالیستی و ضد انقلابی بخصوصی رادیوهای امپریالیستی و رادیو بغداد و صدای آمریکا و «بی‌بی‌سی» - «درباره» این نزدیکی جنبش‌های اسلامی ایران به کشورهای مهمی از این جبهه ضد امپریالیستی، متصل الجزایر، لیبی و سوریه - جبهه پایداری عرب شنیده می‌شود. واقعا بطور دیوانوار از این تحول عصبانی شده‌اند و با آن نیروهایی که در این سمت ضد امپریالیستی، ضد آمریکا و طرفدار تغییرات بنیادی به سود محرومان جامعه با فشار هستند، با فشاری برخورد می‌کنند. این عصبانیت رومانی دشمن بهترین دلیل درست بودن این ست‌گیری است که در ماه‌های اخیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گرفته است. ما امیدوار هستیم که علی‌رغم تمام تحریکات عجیب و غریبی که در داخل و خارج علیه این ست‌گیری انجام می‌گردد این راه ادامه پیدا کند و هر روز تحکیم بیشتری بیابد. این است نظر ما به‌طور کلی در مورد این مسائل جهانی. البته همان طور که من اول هم گفتم این فقط در ایران نیست که امپریالیسم شروع کرده که این توطئه در نقاط دیگر جهان هم پیدا شده است. امپریالیسم با تمام قوا کوشش می‌کند لحظه‌ای را پیدا کند که مثلا به وسیله مصر ضربه‌ای به نام لیبی ضد امپریالیستی وارد بکند. امپریالیسم تمام تلاشش در این جهت است که مصر و اسرائیل را آماده بکند. برای این که در لحظه عینی‌ای از دو جهت شروع بکنند به وارد آوردن ضرباتی به سوریه و لبنان در شمال و از این طریق به جنبش‌های بخش خلق فلسطین و در جنوب به شورج جمهوری دمکراتیک خلق یمن و اتیوپی، یعنی دو کشور که هم از لحاظ سوق الجیشی و نیروی اجتماعی مهم هستند و هم از نظر سیاسی در مواضع قاطع ضد امپریالیستی قرار گرفته‌اند. این تلاشی است که در تمام این منطقه انجام می‌گیرد. امپریالیسم کوشش می‌کند با تمام قوا این جنگ تحمیلی، به ایران را ادامه بدهد، آن را به درازا بکشد و به این وسیله ایران را تضعیف بکند، به امید این که شرایط خود را در ایران روی کار بیاورد و به وسیله آن‌ها به تدریج عزیز لیبیرال خود را در ایران برای کار بیاورد و به خواست، دوباره زنجیر و گام به گام، همان طور که دولت «گام به گام» می‌خواست، دوباره زنجیر اسارت امپریالیستی را بر دست و پای خلق ایران ببندد. ما می‌بینیم که آمریکا از طرف پاکستان تحریکات خیلی وسیعی را در بلوچستان شروع بقیه در صفحه ۳۰

طنین

خرمگس:

دست شستن از زندگی خود بخاطر مردم

به آن کوهستان که مثل سرخ می آفتابند شاه سن ، و به آوازخان ، گورنشین است ، کوه خرمگس : بخاطر آن خاک است بوسه ای آن گل های سرخ از چشم های غمگین است ، زیر آفتاب آفتاب است : سرای انسان عشقی و آلتی از آن نیست که بخاطر این دست شستن از زندگی خود بشود .

(خرمگس ، ترجمه فارسی ، چاپ دوم ، صفحه ۲۲۲)

با این سخنان شنی از انقلابیون ایران زیسته اند در لحظه اعدام معاندان های "خرمگس" انداخته اند و همچنان که در شب های تیره ستاره هفتان کتاب منوع "خرمگس" را در جانی پنهان می کرده اند و با سستی می رسانده اند سرشار از نیروی که از ذرات حماسه "خرمگس" میتروید سرای لحظه های میتروید سرای یاد زخم آهاده شده اند .

اکنون این کتاب ، اثری که نام آن "اتل لیلیان و پنهان" (۱۹۶۰-۱۹۶۴) نویسنده انگلیسی را در ایران برآورده ساخت و گمراه کننده ایرانی است که چنان دیگر انقلابیون جهان آرا خوانده باشد ، بصورت قلمی که در اتحاد توری ساخته شده سر بریده سیمای "عمر جدید" در تهران است .

انچه تماشاگرانی که حتی ابتاده فیلم "خرمگس" را تماشا میکنند نشان میدهد که پیوند این اثر با نسل جوان برآمده از انقلاب انگلیسی است حتی که مدعا و هزاران نفر از آن به ما می آید چون "خرمگس" آفریده اند ، با هم از این اثر حماسی نیرومی - گردید ، تا به نبرد تنگ خود ادامه دهد .

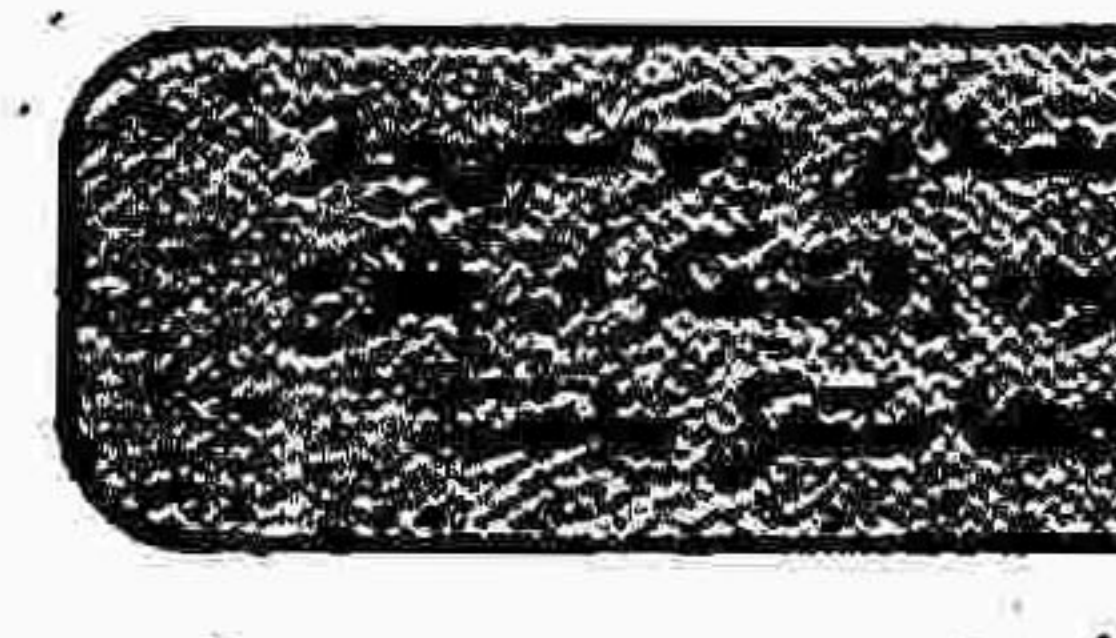
در "خرمگس" فعالیت سازمان "ایتالیای جوان" در سال های ۳۰ تا ۴۰ قرن نوزدهم باز - آفرینی شده است ، در آن زمان پس از قلع و قمع ارتش نابالغ سراسر ایتالیا به هشت کشور جداگانه تقسیم شده بود ، و ایتالیا عملاً در ایتالیا ارتش اتریش

سودریش کلبای کا تولیک یابرم باز انقلابی با تریخی ساریت می کرد و خلق ایتالیا سارید می نیرو می رژیم دخی سال ۱۸۳۱ ژوزف ماریونی انقلابی مشهور ایتالیا که از سپه خود رانده شده بود ، سازمان مخفی "ایتالیای جوان" را پایه گذاری کرد . این سازمان در سال ۱۸۷۰ توانست دشمن را براند و ایتالیا را متحد کند .

زمان در سال ۱۸۳۳ آغاز میشود ، در این اثر خواننده با "رتور" جوانی آشنا میشود که روزی نامشروع یک کنش عالمقام در "پیزا" که یکی از شهرهای قدیمی ایتالیا - است . این جوان که در امان کلبای کا تولیک رشد یافته با سازمان "ایتالیای جوان" آشنا میشود و به آن می پیوندد در این سازمان دختری

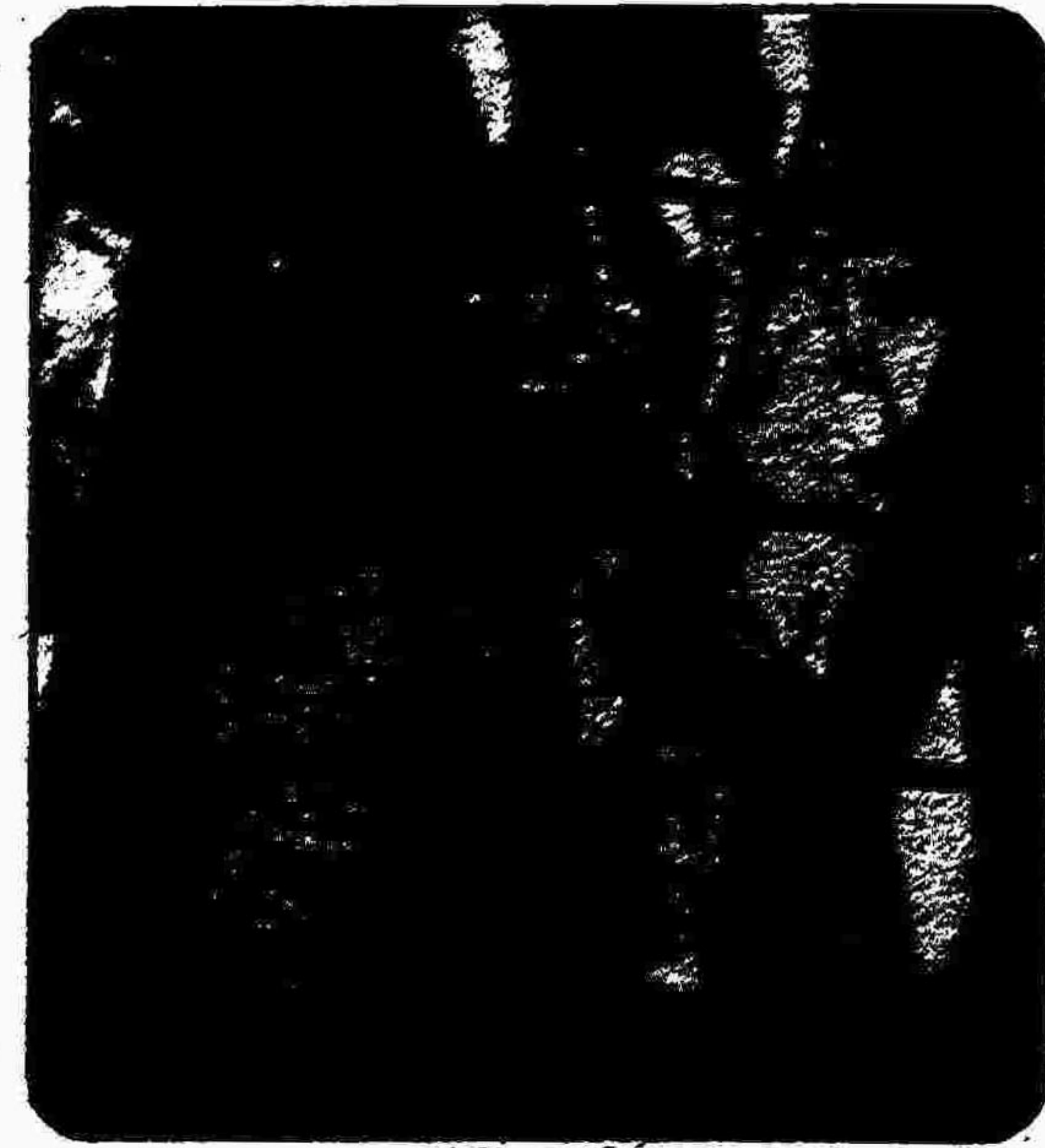
بعد از آزادی "رتور" معما و راجع یک خاشنگاه می کنند و از خود می رانند . "رتور" در نامه ای می نویسد که خودکشی کرده و به آمریکا لایتن می رود . سال ۱۸۳۳ در آنجا بر می میورد ، ماجرای این ۱۳ سال را خانم "لیلیان" وینچ در رمانی بنام "توستی" کمیخته شرح داده است .

هنگامیکه او بر میگردد ، یک انقلابی تمام عیار است که با نام "توستی" مشهور است ، میتوان یک خارجی در ایتالیا میگردد و با نام مستعار "خرمگس" از رهبران جنبش است و هیچ کس نمیداند . راستی او کیمت در رمان سبزه رابطه دوگانه "رتور" با پدر "مونتالی" که از سوی در آتش عشق پندری اش میموزد و از سوی دیگر بخاطر آنکه در خدمت علم است به



است بنام "جما" که "رتور" دل در گرو عشق او دارد . سومین شخصیت اصلی داستان "رتور" عالمقام است ، داستان سره محور اصلی به موازات یکدیگر پیش می رود . فعالیت انقلابی "رتور" عشق "جما" و عشق و نفرت شکست "رتور" به پدر "مونتالی" ، بعد از آنکه پدر "مونتالی" از طرفی با به رم احضار می آید و پدر "مونتالی" را قتل از روح "رتور" جوان راه اومی میرد ، این کنش بخلاف پدر "مونتالی" که از نظر شخصی انسان و نیکوکار بود ، بیکره جاسوس دستگاه تفتیش عقاید کلبای است . "رتور" نزد او اعتراف می کند و نام رهبر سازمان را می گوید . شب بعد در حالیکه "رتور" می بندارد ، "مونتالی" آنها را لوداده ، اعضای سازمان دستگیر میشوند

الته به آسانی میتوان از این زیباترین هنری بخاطر روح انقلابی فیلم مرفنتر کرد . اما آنچه باید سبزه به آن توجه کرد و آرام آرام دارد با دیگرهای میگیرد . سلاخی فیلم توسط قبضی سانوراست ، در شرایطی که ، طبق قانون اساسی ، سانوراست ممنوع است و هیچ دستگاه رسمی هم برای سانوراست وجود ندارد ، سانوراست خواهسته بر سر فیلم آورده است ، ترمیمی نیست که میباید البته طبق قانون - صحنه های ضد انقلابی و غیر - اخلاقی حذف شود ، ولی صحنه های انقلابی چرا باید سانوراست شود ؟ مثلاً از صحنه سیار طولانی ملاقات "خرمگس" با "پدر" "مونتالی" در زندان ، تنها چند بیان کوتاه باقی مانده و سخنان "رتور" کاملاً - بغیر از یک جمله - با حذف شده و با تغییر پیدا کرده است . همین کار در مورد سخنان پدر "مونتالی" هم انجام شده است ، در نتیجه نه تنها در یک شراطی که پدر "مونتالی" در آن ، با اعدام "خرمگس" موافقت کرده ، غیر ممکن شده است ، بلکه شخصیت "رتور" نیز کاملاً تغییر کرده و به ضد خود تبدیل شده است ! (برای درک مطلب باید از تماشاگران و خوانندگان



رتور در زندان

خواست که به اصل رمان مراجعه کنند) خود فیلم نیز در صحنه اعدام "خرمگس" (که باز هم از دستبرد سانوراست مانده) که مرکز شغل اشتر است و همه با رتارنگار و سبج کننده صحنه به رمان محول شده ، موفق نیست ، رمان در تصویر این صحنه ، کسبه طبیعتاً باید در فیلم قوی تر باشد ، موفق تر است ، "خرمگس" وطنی که در آخرین لحظات حیات از آن سود می جوید ، تا نظام حاکم را رسوا کند ، در فیلم فراموش شده است ، عدم تمایل قلبی برآزان به شلیک خوب پروراند شده است . در مجموع این صحنه آن چنان که باید موفق نیست .

اما فیلم با این همه ، یک فیلم انقلابی بسیار موثر است که میتوان درسیار موثر است سخت مفید باشد و سبزه در این شرایط ، آنها را اغلب و دشمنی تلخ کند ، اما متأسفانه این اثر انقلابی هم ، مانند آثار دیگری از این دست ، فقط در یک سینما ، آنهم در شمال تهران نمایش داده میشود . آیا بهترین نمایش این فیلم از تلویزیون بخش شود ، تا شور انقلابی آن به توده ها منتقل گردد ؟

همکاریهای نظامی گسترده رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق با عربستان سعودی بر زمین ایجاد پیمان نظامی امریکا فرموده در منطقه خلیج فارس

به پاکستان سفر کرده بوده اظهار داشت: «لاوگان دریایی پاکستان باید لفت صبی را در اقیانوس هند ایفا کند.»

عملیات مشترک ناوگان چین و پاکستان در این منطقه امکان پذیر است.»

باتوجه به همکاریها و فعالیت های سیاسی و نظامی دانه داری که طی یکسال اخیر میان کشورهای مصر ، عربستان سعودی ، عراق ، عمان ، اردن ، پاکستان ، سومالی و کنیا انجام میگردد و باتوجه به اینکه همه کشورهای یادشده مستقیم و غیر مستقیم مورد حمایت آمریکا هستند و ایالات متحده آمریکا با اکثر این کشورها قراردادهای نظامی و تسلیحاتی دارد ، به آسانی میتوان دریافت که امریالیسم امریکا ، برای جبران ضررهای سنگینی که بر مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آن در نتیجه پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ایران و از دست دادن بزرگترین پایگاه نظامی در میان ما ، وارد آمده ، تلاش دارد که همه رژیم های ضد خلقی و دست نشانده در منطقه را در یک پیمان نظامی - سیاسی متحد سازد . نزدیکی نسبت که مستقیم و غیر مستقیم از ناحیه چین بیانی جمهوری اسلامی ایران ، جمهوری دموکراتیک افغانستان ، کشورهای سنجسه پایدار و سازمان آزادی بخش فلسطین و دیگر کشورهای مستقل ملی در منطقه خواهد بود .

بر زمینه این نقشه های تجاوزگرانه امریالیسم آمریکا و رژیم های ضد خلقی و وابسته به امریالیسم آمریکا است که پیشنهاد های دولت اتحاد شوروی ، که از جانب لئونید برزنف دبیر کل کدته مرکزی حزب کمونیست و سدهیتر زبیه شورایی انقلابی اتحاد شوروی ، هنگام دیدار از هند اعلام گردید ، حائز اهمیت فراوان برای حفظ صلح و امنیت در منطقه و پاسخگویی سوانح بیانی کشورهای مستقل ملی و خلدی سمنه است .

نظامی امریکائی و چینی و پاکستانی در خاک پاکستان دایر گردید ، رژیم عربستان سعودی نیز ، با توصیه دولت امریکا ، هزینه این اردوگاهها را بپذیرد گرفت . ضیاءالحق ، دیکتاتور پاکستان ، در سفر خود به عربستان سعودی (۸ مرداد ماه ۵۹) از دولت عربستان سعودی تقاضا کرد که هزینه های تسلیحات و تجهیزات نظامی آمریکا را ، که به پاکستان ارسال شده است ، پرداخت کند . در مقابل این کمک ، رژیم پاکستان یک لشکر از نیروهای مسلح پاکستان را بمنظور تقویت نیروهای امنیتی عربستان سعودی به آن کشور اعزام کرد . چندی پیش نیز ۴۰۰ نفر از سربازان و تکنیسین ارتش پاکستان جهت گسترش و بازسازی تأسیسات نظامی به عربستان سعودی اعزام شدند و عربستان سعودی ، در مقابل ، یک میلیارد دلار به پاکستان پرداخت کرد .

چندماه قبل آقا شاه وزیر امور خارجه پاکستان ، خدمتگزار رژیم ضیاءالحق را ، بعنوان زاندار منطقه ، به کشورهای عربی صادر کننده نفت اعلام کرد و گفت: «اگر کشورهای منطقه خلیج فارس ۵ میلیارد دلار اعتبار به پاکستان بدهند ، پاکستان حاضر است از سوی دیگر ، چین نیز روز بروز به نفوذ سیاسی خود در پاکستان می افزاید ، رژیم ضیاءالحق را ، به خود نماندگی متفق خواهد بود . در نتیجه ضیاءالحق و تحریکات نظامی علیه کشور مستقل هند و جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران ، از لحاظ تسلیحات و تجهیزات نظامی تقویت می کند . رهبری چین تلاش دارد که ، همراه با امریکا ، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق را به پایگاه نظامی و تسلیحاتی در این منطقه تبدیل کند .

مطابق نیواسار لوداوتسنگ ، که قبل فرامدنی نیروی دریایی چین ، که چندی پیش در راس یک هیئت نظامی

ایران ، توطئه ها و فعالیت های نظامی خود در این منطقه را بمنظور تهدید به مداخله نظامی و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز تهدید وضعیت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، جمهوری دموکراتیک فلسطین ، سوریه ، الجزایر ، لبنان ، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین ، همزمان در دو سمت به موازات میگذارد: از یکسو تمرکز بر احداث بزرگ نیروی دریایی و هوایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و استقرار واحدهای افریزی و راکت سریع در پایگاههای نظامی آمریکا در این منطقه ، و از سوی دیگر تقویت و گسترش کمکهای تسلیحاتی و نظامی آمریکا به رژیم های ضد خلقی دست نشانده و پیمپوندی سیاسی و نظامی این رژیمها بمنظور اجرای توطئه ها و عملیات مشترک تجاوزگرانه علیه رژیم های مستقل ملی در منطقه .

طبق همین برنامه است که بویژه طی سال جاری دیدارهای مقامات رسمی رژیم های دست نشانده آمریکا و مذاکرات آنان در باره همکاریهای نظامی و قراردادهای جدید تسلیحاتی افزایش یافته و پیشنهادهای متعددی در باره ایجاد یک پیمان نظامی جدید با کشورهای ضد خلقی و وابسته به امریالیسم آمریکا مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است .

در مورد همکاریهای نظامی و سیاسی نزدیک میان عربستان سعودی و پاکستان باید خاطر نشان کرد که این همکاری از سال ۱۳۴۶ ، که یک قرارداد نظامی دو جانبه میان دو کشور بسته شده ، بنحوی چشمگیر گسترش یافت . این قرارداد نظامی در سال جاری تمدید گردید .

پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان ، کشور پاکستان به کانون توطئه و تمرکز عناصر و گروه های ضد انقلابی افغانی تبدیل شد و اردوگاههای فراوان افغانی ، یاسرستی ماموران «سیا» و مستشاران

شاهزاده فهد بن عبدالعزیز ، ولیعهد عربستان سعودی در آخرین روز دیدار خود از پاکستان ، در محلیه با خبری که روزی پاکستان اظهار داشت: «یک رژیم فاسد جبرائیلی میان دو کشور ، مانع از یک روح و پانجم متحد هستیم.»

ولیعهد عربستان سعودی ، ضمن اطمینان دادن به پاکستان در مورد کمکهای نظامی رژیم عربستان به رژیم دست نشانده ضیاءالحق ، گفت: «فرهنگ آسیایی که به پاکستان وارد آید مداخله در عربستان سعودی تلقی خواهد شد.»

دیدار فهد بن عبدالعزیز ، ولیعهد عربستان سعودی از پاکستان ، که بدینبار مسافرت چندین پیش وی به امارات عربی و شیخنتین این منطقه انجام گرفته ، دارای هدف مشترکی است . ولیعهد عربستان سعودی در مسافرت خود به کشورهای ساحل خلیج فارس ، مسئله ایجاد یک پیمان نظامی را مطرح ساخت ، که رژیم ضیاءالحق دست نشانده آمریکا در این منطقه را دربر خواهد گرفت . وی در دیدار خود از پاکستان نیز از اتحاد نظامی دو کشور و کمکهای نظامی عربستان سعودی به رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق سخن میگوید .

با توجه به نقش که عربستان سعودی در این منطقه در اجرای برنامه های نظامی و مذاکرات جنگی امریالیسم آمریکا ایفا میکند ، موافقتها و قراردادهای نظامی که میان عربستان سعودی با پاکستان و دیگر رژیم های سرسپرده امریکا منعقد میگردد ، در واقع مأموریتی است که از جانب وزارت دفاع و دوائر جاسوسی آمریکا به عهده این کشور محول شده است .

همچنانکه در مقالات مربوط به تهدید و توسعه مذاکرات جنگی و حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در نامه «مردم» خاطر نشان شده است ، امریالیسم آمریکا پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان و آمریکا نیز انقلابیون مردم چین ما و استقرار نظام جمهوری اسلامی در

آیت‌الله دکتر بهشتی:

همواره با توطئه دشمن روبرو خواهیم بود

هرگونه عمل جدایی افکن میان روحانیت متعهد و مسئول و شما ملت قهرمان را محکوم می‌کنیم

آیت‌الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور درمباحثه مطبوعاتی هفتگی خود گفت: بی شک دشمن دست از توطئه چینی برنمی‌دارد... دکتر بهشتی که در حضور خبرنگاران خارجی و داخلی سخن می‌گفت ضمن اشاره به اینکه توطئه‌های دشمنان انقلاب برای درهم شکنی انقلاب کماکون...

که طی آن آمده بود حمله به روحانیت، روحانیت حمله به تمام روحانیت نیست... روحانیت می‌داند اینها را یاد گرفته است که از حمله به این عده از روحانیون، منظور اینست که روحانیت در مجموع اینها هم نداشته باشد... آیت‌الله دکتر بهشتی دربارہ پیشنهادی تونیو برژنف رهبر اتحاد شوروی پیرامون صلح و امنیت منطقه خلیج فارس و...



تامپسون فضاپرواز کوبانی، که همراه یوری رومانکو فضاپرواز شوروی، با سایوز ۳۸، به فضا رفت و در ۱۵ مهر ۵۹ به زمین بازگشت. از فضاپروازان بگرمی استقبال کردند.

دبیر کل حزب کمونیست یونان: اکثریت قاطع مردم یونان با کشته شدن به ماجراجوئی‌های آمریکا و ناتو مخالفند

فلورا کیس دبیر کل حزب کمونیست یونان در مصاحبه با روزنامه نویسی دویچلند ارگان مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان اعلام داشت که هدف آن وارد ساختن یونان به سیاست خنثی‌نگار بلوک ناتو است... فلورا کیس تأکید کرد اکثریت قاطع مردم یونان با کشته شدن کشور به ماجراجوئی‌های ناتو و آمریکا مخالفند.

بازدید تونیو برژنف از هندوستان برای جریان تشنج‌زدائی در سراسر جهان اهمیت دائمی و فناناپذیر خواهد داشت

بیرک کارمل رهبر افغانستان طی یک مصاحبه با خبرگزاری یانتر و رادیو تلویزیون ملی افغانستان سفر تونیو برژنف رهبر شوروی را به هند اقدامی در جهت تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی خواند... بیرک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق و رئیس شورای انقلاب و نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک افغانستان در مصاحبه مطبوعاتی خود ضمن اشاره به سفر تونیو برژنف به هند گفت: «این نوع اقدامات دلیل دیگری بر سیاست دائمی و مستمر حزب کمونیست و دولت شوروی در مورد تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی است».

ما در افغانستان برای کوشش‌های صلح‌جویانه بانو ایندیرا گاندی تشکر می‌کنیم... ما در افغانستان از روش عالی قائلم. هندوستان که یک کشور بزرگ آسیایی است، تحت رهبری زمامداران خود و با پاسداری از آزادی و تقویت جریان تشنج‌زدایی و با مقابله با هرگونه تحکم امپریالیستی و برتری‌جویی و مبارزه برای برقراری روابط عادلانه بین همه کشورهای در جنبش بین‌المللی عدم تمهید نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند... اهمیت بازدید در مورد اهمیت بازدید تونیو برژنف از هند گفت: «اهمیت بازدید تونیو برژنف از هند و مذاکرات وی با بانو ایندیرا گاندی و دیگر رهبران آن کشور از چارچوب مناسبات درجه‌ای شوروی و هند بسیار فراتر گذاشته است».

بیرک کارمل اعلامیه مشترک هند و شوروی را در جهت تحکیم مبانی صلح و تثبیت اوضاع آسیا و سراسر جهان براساس اصول همنویتی مسألت‌آمیز خواند... بیرک کارمل گفت: «ما از پشتیبانی و کمک عظیم کشور دوست اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی و ممالک غیرمتحد و همه نیروهای ترقی‌خواه جهان برخورداریم».

پرونده سازی... برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود... پرونده سازی در دوران کمونی که تحکیم اتحاد همه مبارزان انقلابی علیه امپریالیسم آمریکا، ضدانقلاب داخلی، سرمایه‌داران وابسته و سگ‌کشان زمینداران و لایه‌های سازشکار و مائوئیست‌های ضد...

باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد

آزادی جاسوسهای آمریکائی که در اولین روزهای انقلاب توسط وزیر امور خارجه وقت دکتر یزدی صورت می‌گیرد و تضمین‌هایی که در مورد ادامه روابط و وابستگی به آمریکا داده می‌شود و ارتباط دولتمردانی چون امیرانتظام، کمیست حساس‌سختگویی دولت را پدید آورده است... باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد.

باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد... اینک که بخشی از لیرالها پنهان خامیان خط پرژینسکی کنار زده شده‌اند، بایستی برای تقویت موضع انقلاب بر جلب حمایت و همکاری و ایجاد پیمانهای مشترک با کشورهای شرقی و انقلابی و مسلمان در منطقه و جهان برداریم... باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد.

نلمه مردم: ارگان مرکزی حزب توده ایران. دارتله امتیاز و مدیر مسئول: متوجه بزرگ خیابان ۱۶ آذربایجان ۶۸ (دفتر نلمه مردم) هنوز در اختیار نلمه مردم نیست. NAMEH MARDOM No. 398 18 December 1980. Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود... پرونده سازی... برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود.